

## کلنل پسیان در دامگه حادثه

اسنادی درباره واقعه خراسان در سال ۱۳۰۰

مرتضی رسولی پور

پنجاه و پنج سندی که درباره واقعه خراسان و رویدادهای مرتبط با آن در این شماره به چاپ می‌رسد گزیده‌ای از هزار و دویست برگ سند مربوط به واقعه مزبور است که در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود. این اسناد دارای نکته‌های ظریف و اطلاعات سودمندی است و به دلیل ارزش و اهمیتی که در روشن نمودن گوشه‌هایی دیگر از تاریخ معاصر ایران دارد می‌تواند امکان تحقیق و بررسی بیشتر و دقیق‌تر موضوع را فراهم آورد.

مجموع اسناد ارائه شده در این شماره درباره رویداد خراسان و عملکرد افرادی چون کلنل محمدتقی‌خان پسیان فرمانده ژاندارمری خراسان، مهدی فرخ ملقب به معتمد السلطنه کارگزار خراسان، سید ضیاء‌الدین طباطبایی نخست‌وزیر کودتا و قوام‌السلطنه و... احتمالاً موجب به چالش کشیده شدن پاره‌ای از باورهای خوانندگان در مورد واقعه مزبور خواهد شد. رابطه میان کلنل و معتمد‌السلطنه با سید ضیاء و همچنین علاقه‌مندی قوام‌السلطنه و اعتماد او به کلنل نه تنها تا زمان دستگیری خود به دست مشا‌زآلیه بلکه حتی اندکی پس از ریاست وزرایی خود، موضوعاتی است که از متن اسناد مزبور مستفاد می‌شود و برای علاقه‌مندان وقایع خراسان در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ و کسانی که درباره زندگی نامبردگان تحقیق می‌کنند حائز اهمیت فراوان است.

این مجموعه با مقدمه‌ای درخصوص وضعیت ژاندارمری، نحوه تعامل این نیرو با قوای قزاق در فاصله سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ش، چگونگی همکاری فرماندهان ژاندارمری با کودتای ۱۲۹۹ و نخست‌وزیر کودتا و همچنین مروری بر زندگی کلنل محمدتقی‌خان پسیان و عملکرد او به معرفی اسناد می‌پردازد.

در طی سالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ش دشمنی و رقابت میان دو نیروی ژاندارمری و قزاق کاهش یافت به طوری که حتی جای خود را به شناسایی منافع مشترک داده بود زیرا پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م (۱۲۹۶ش) به تدریج پیوندهای دیرینه نیروهای قزاق با روسیه گسیخته شد و بی‌اعتمادی نیروهای ژاندارمری نسبت به قوای قزاق تعدیل گردید.

مخالفت دو نیروی ژاندارمری و قزاق با قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلستان تا اندازه‌ای باعث ایجاد پیوند سیاسی و برقراری رابطه عملی بین قزاقها و ژاندارمها در سال ۱۲۹۹ گردید. این هم‌نوابی بین دو نیروی نظامی شاید نخستین گام در راهی بود که منجر به همکاری موفقیت‌آمیز اجرای کودتای ۱۲۹۹ شد. حضور سلطان کاظم‌خان سیاح و ماژور مسعودخان کیهان (که هر دو از افسران ژاندارمری بودند) در همراهی با نیروهای قزاق و در حرکت از قزوین به سمت تهران، این خبر را که کودتا با هیچ‌گونه مخالفتی از جانب ژاندارمری رو به رو نشده، تأیید کرد.

ژاندارمری با حمایتی که از سید ضیاء و کودتا کرده بود پاداش قابل توجهی نیز به دست آورد. کاظم‌خان سیاح با ارتقاء به درجه سرهنگی به فرماندهی نظامی تهران و مسعودخان کیهان به وزارت جنگ منصوب شدند.

بلافاصله پس از کودتا، حکومت نظامی در بسیاری از شهرها برقرار شد. برخی از والیان و حکام برکنار شدند و صاحب‌منصبان ژاندارمری جای آنان را گرفتند. برای مثال ماژور محمدخان درگاهی فرمانده گردان (باطالیون) ژاندارمری قم به سمت فرماندار نظامی آن شهر منصوب گردید و ماژور فتحعلی‌خان ثقفی نیز کنترل شهر سمنان را در دست گرفت.

در مرکز بعضی استانها، نظیر کرمانشاه و مشهد، صاحب‌منصبان ژاندارمری، به موازات کودتا در تهران دست به کودتاهاى کوچک‌تری زدند. در کرمانشاه، ماژور محمودخان پولادین، صارم‌الدوله والی آنجا را توقیف کرد و به تهران فرستاد. در مشهد کلنل محمدتقی خان پسیان، اقدام به توقیف والی خراسان یعنی قوام‌السلطنه کرد و پس از مدتی او را به تهران فرستاد، سپس مبادرت به توقیف بسیاری از اعیان و اشراف، مقامات دولتی، مالکان و افرادی از این قبیل در خراسان کرد تا بتواند مالیاتهای عقب‌افتاده را از آنها وصول کند و به اصطلاح، برنامه اصلاحات خود را به اجرا گذارد، درست مشابه اقداماتی که سید ضیاء در تهران به عمل می‌آورد.

کلنل پسیان در دوره کوتاه حاکمیت بر خراسان، به‌زعم خود، دست به اقداماتی اصلاحی زد و کوشید تا کجرویهای ادارات استان را اصلاح کند اما با این کار، مخالفان نیرومند محلی را بر ضد خود برانگیخت و سرانجام در درگیری با همین نیروهای محلی که از مرکز پشتیبانی می‌شدند در ۱۱ مهر ۱۳۰۰ از پا درآمد و کشته شد.



پژده کلا علم انانان بظانان فرزندنی  
کلنل محمدتقی خان پسیان [۱۳۰۰-۴۴۱]

به این ترتیب در دوره بعد از کودتا، گرچه ژاندارمری از طریق تصاحب مناصب عالی قدرت سیاسی در ایالات و مراکز پایتخت به اوج نفوذ خود رسید مع ذلک در پاییز ۱۳۰۰ در نتیجه تاکتیکهای دوگانه رضاخان مبتنی بر جذب و گلچین کردن افراد مورد نظر از میان ژاندارمها و در عین حال سرکوب زعمای آنان، ژاندارمری تسلیم و جذب در دیویزیون قزاق شد. از این دیدگاه، سرکوب کلنل پسیان سرآغاز شکل‌گیری سلطه سیاسی شخصی رضاخان در امور مملکت و خاصه در تعیین سرنوشت ارتش ایران بود. در دی ماه سال ۱۳۰۰ دیویزیون قزاق و ژاندارمری درهم ادغام شدند و قشون متحدالشکل ایجاد شد. با این همه در بهمن ماه همین سال نیروهای ژاندارم تحت فرماندهی لاهوتی با حمله به قوای قزاق در تبریز حرکت مسلحانه و اعتراض‌آمیز

دیگری را آغاز کردند. چنین حرکت‌هایی نشان‌دهنده تضاد عمیق و پایان‌نیافته میان دو نیروی ژاندارم و قزاق و همچنین حاکی از حضور عناصری در ژاندارمری بود که دیکتاتوری رضاخان را برنمی‌تافتند و او را که نه سوادی داشت، نه در یک مدرسه نظامی معتبر درس خوانده بود و نه اصول نظامی جدید را می‌دانست برای رهبری دستگاه نظامی کشور صالح و شایسته نمی‌دانستند.

□ □ □

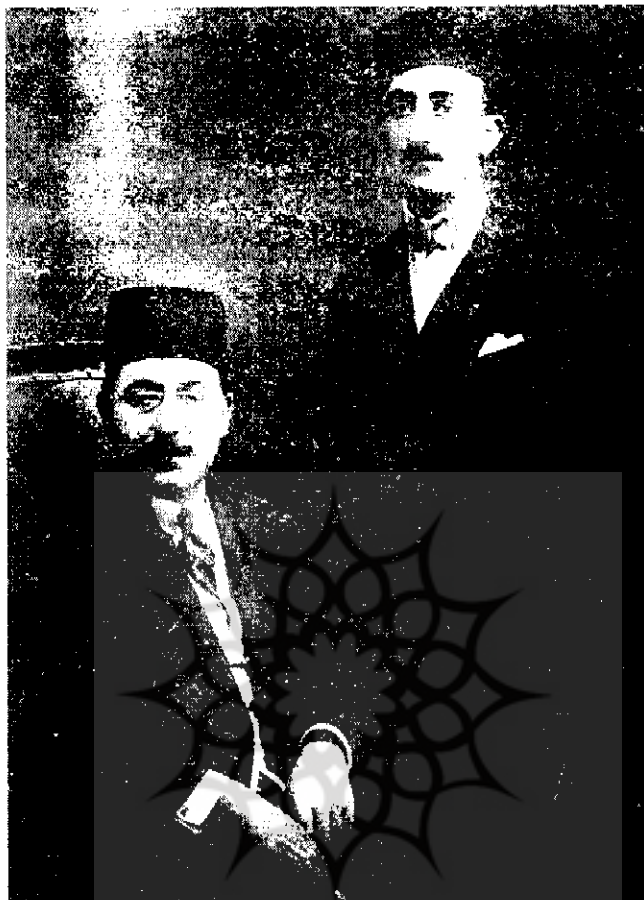
محمدتقی خان پسیان در سال ۱۳۰۹ق در تبریز و در خانواده‌ای مهاجر که دارای سوابق نظامی بودند به دنیا آمد. اجدادش پس از جنگ ایران و روس و مجزا شدن قفقاز از ایران، به تبریز مهاجرت کردند. محمدتقی خان پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۲۴ق برای ادامه تحصیل به تهران آمد و وارد مدرسه ژاندارمری شد. پس از چندی با دریافت درجه ستوان دومی به خدمت در ژاندارمری مشغول شد.

وی نمونه‌ای از صاحب‌منصبان جدید بود که از طریق ژاندارمری به سرعت مدارج ترقی را پیمود. با شروع جنگ جهانی اول، به فرماندهی گردان ژاندارمری همدان رسید و دفاع از جاده همدان - کرمانشاه به او واگذار شد. در همین سمت بود که با رضاخان، که ریاست دسته تیراندازان آتریاد همدان را داشت، یک برخورد نظامی پیدا کرد. پسیان در خلال زد و خوردهای ملیون در غرب ایران در سالهای ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ شمسی به عنوان یکی از فرماندهان نظامی و مخالف دخالت بیگانگان در ایران شهرت قابل ملاحظه‌ای کسب کرد. پس از سقوط دولت رضاقلی خان نظام‌السلطنه مافی، بسیاری از افسران ژاندارمری تبعید شدند. پسیان همراه با شمار اندکی به برلین جلالی وطن کرد. در برلین به ادامه تحصیلات نظامی پرداخت. نخست وارد نیروی هوایی آلمان و سپس وارد پیاده‌نظام شد. در آنجا با رادیکال‌های ایرانی تحت رهبری تقی‌زاده ارتباط برقرار کرد و مدتی با مجله کاوه همکاری نمود.

در تیر ماه ۱۲۹۹ به ایران بازگشت و مجدداً به ژاندارمری پیوست. در اواخر تابستان همین سال با سمت نایب سرهنگی به فرماندهی ژاندارمری خراسان که به لحاظ ساز و برگ و اسلحه و نفرات کامل‌ترین واحد ژاندارمری بود منصوب گردید.

به موجب اسناد موجود، روابط قوام‌السلطنه والی خراسان با کلنل محمدتقی خان، از ابتدای انتصاب کلنل به ریاست ژاندارمری خراسان تا وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ کاملاً صمیمانه بوده و قوام‌السلطنه در برآوردن خواسته‌های کلنل که بعضی مربوط به مرکز بود، صادقانه تلاش می‌کرد.<sup>۱</sup> حتی به موجب عهد و پیمانی که میان آن دو بسته شده

۱. قوام‌السلطنه در ۱۴ ارد (مرداد) ۱۲۹۹ طی مخابره تلگرافی به میرزا حسن خان مشیرالدوله رئیس‌الوزرای



احمد قوام به اتفاق حسینقلی میرزا نصرت‌السلطنه فرزند مظفرالدینشاه (۱۸ نوامبر ۱۹۲۳) [۸۰۹-۱]

بود، قوام‌السلطنه کمال اعتماد را به کلنل داشت.<sup>۱</sup> بنا بر این همه، مدت کوتاهی پس از

- وقت خواستار اعزام فوری کلنل به خراسان شده بود. (بنگرید به: تاریخ معاصر ایران، کتاب چهارم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۶) همچنین در زمان ریاست وزرای فتح‌الله خان سپهدار رشتی، قوام‌السلطنه در تاریخ سوم جدی (دی ماه) ۱۳۹۹ طی تلگراف دیگری به رئیس‌الوزراء، ضمن ابراز رضایت از کلنل، خواستار تصویب و پرداخت مخارج معاودت او شده بود (همان، ص ۲۳۰)
۲. بنگرید به: حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، تهران، علمی، ۱۳۲۴، ص ۳۱۳؛ عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۶۰۷؛ باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، ج ۱، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۴۳، ص ۲۵۵ و ۳۲۶؛ ملکشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۹۸.

کودتای سید ضیاء‌الدین طباطبایی، کلنل در ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ قوام‌السلطنه را توقیف کرد و دو هفته بعد تحت‌الحفظ او را به تهران فرستاد. قوام‌السلطنه به محض رسیدن به تهران، در عشرت‌آباد زندانی شد و تا زمانی که حکم ریاست وزرایی خود را دریافت کرد در حبس به سر برد.

در پی بازداشت قوام‌السلطنه، شمار دیگری از دوستان قوام - مانند مقبل‌السلطنه پدر دکتر منوچهر اقبال، مجلل‌التولیه، محمدجعفر کشمیری، نجدالسلطنه، آقا احمد دانش و میرزا محمد ملک‌زاده برادر ملک‌الشعراء بهار - و همچنین حکام قوچان و تربت حیدریه به دستور کلنل بازداشت شدند. همزمان با این بگیر و بندها، کلیه اثانه و اسبهای قوام‌السلطنه، همچنین وجوه نقدی و جنسی او مصادره و به ژاندارمری منتقل شد.

به‌طور قطع و یقین هیچ‌کدام از این اقدامات بدون رایزنی مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) صورت نگرفت. متأسفانه حضور و نقش فرخ در مشهد بعد از کودتای ۱۲۹۹ آن‌گونه که باید مورد توجه مورخان قرار نگرفته است. سیدضیاء که به روابط حسنه میان کلنل و قوام واقف بود، چند روز قبل از این که قوام دستگیر شود معتصم‌السلطنه را به عنوان کارگزار خراسان تعیین کرد و به مشهد فرستاد تا او ضمن مذاکره با کلنل، هر طور شده نظر او را نسبت به توقیف قوام‌السلطنه و سایرین جلب کند. چرا که سیدضیاء خوب می‌دانست فرخ نیز مانند خودش مخالف قوام است اما فرخ تنها مخالف قوام نبود بلکه کینه او را هم به دل گرفته بود. در دوره چهارم تقنینیه او از مشهد به مجلس راه یافت ولی پس از سقوط دولت سیدضیاء، غالب نمایندگان مجلس تمایلی به تصویب اعتبارنامه او و سایر همدستان دولت کودتا نداشتند بنابراین پس از رد اعتبارنامه‌اش باز در شمار نزدیکترین مشاوران کلنل به تحریک او بر علیه قوام پرداخت. معتصم‌السلطنه در توجیه اقدامات خود، در یادداشتها و خاطراتش اشاره کرده که قوام قصد خودمختاری خراسان را داشته و درصدد اعلام استقلال این ایالت (استان) بوده است.<sup>۲</sup>

پس از این که قوام‌السلطنه در خرداد ۱۳۰۰ به سمت ریاست وزرایی رسید در بدو امر، بدون آن که از نقض قول و قرار و حبس و توقیف خود چیزی به روی خود و کلنل بیاورد ابتدا نجدالسلطنه را که مدتی رئیس کل مالیه خراسان و چند بار هم کفیل ایالت شده بوده به سمت کفالت ایالت تعیین نمود و کلنل پسیان را کماکان در ریاست ژاندارمری خراسان ابقا نمود. ولی کلنل این اقدام قوام را دشمنی با خود تلقی کرد و مردم

۲. بنگرید به: خاطرات سیاسی فرخ «معتصم‌السلطنه». تهران، جاویدان، بی‌تا، ص ۶۰.

را بر ضد نجدالسلطنه تحریک و او را مجبور به استعفاء نمود و خود بدون امر مرکز زمام امور را قهراً به دست گرفت.

پس از چندی قوام السلطنه، با این تصور که کلنل پسیان دست از ترمز بردارد و کار به مسالمت ختم شود، صمصام السلطنه بختیاری را به ایالت خراسان منصوب نمود ولی باز هم کلنل دست از روش سابق خود برنداشت. او همواره خود را از یک طرف مظلوم و قربانی غرض شخصی قوام و از طرف دیگر مستقل و خودسر و متمرذ از دستورهایی دولتی نشان می‌داد و با آن که صمصام السلطنه پیشنهاد و شرط کلنل را در نبردن سواره بختیاری همراه خود پذیرفت باز هم نتوانست به توقعات کلنل خاتمه دهد.

بدون تردید کلنل پسیان و کسانی دیگر مانند فرخ خواستار برکناری قوام بوده‌اند و این مطلب از مکاتبات میان امیر شوکت‌الملک با کلنل و فرخ کاملاً مشهود است.<sup>۴</sup> در حالی که قوام السلطنه از بدو زمامداری خود، از نظر تأمین امنیت داخلی کشور با مشکلات زیادی مواجه بود و علاوه بر ناآرامی در خراسان، به منظور دفع شورش ساعدالدوله در تنکابن، امیرمؤید سوادکوهی در مازندران و میرزا کوچک خان و احسان‌الله خان دوستدار در گیلان، در اندیشه تجهیز نیرو بود، نسبت به کلنل متفاهی مماشات را به خرج داد. وی در پیش‌نویس تلگرافی که به خط خود نوشته و در تاریخ ۲۱ جوزا (خرداد) ۱۳۰۰ یعنی یازده روز بعد از اعلام ریاست‌وزرایی خود خطاب به کفیل ایالت خراسان فرستاده علاقه‌مندی خود را نسبت به کلنل چنین بیان می‌کند:

... اما این که می‌گویید کلنل از من خائف است تعجب دارم. با اطمینانی که داده‌ام چرا باید نگران باشد. جناب عالی به هر وسیله که مؤثر می‌دانید او را امیدوار و دلگرم نمایید و از طرف من قول و اطمینان بدهید که چون او را مأمور و معذور می‌دانسته‌ام هیچ وقت خیال انتقام نداشته و نخواهم داشت بلکه همه قسم محبت و مهربانی نسبت به کلنل خواهم کرد. در این صورت اگر میل دارد در خراسان باشد هر نوع تقویت و همراهی و محبت و اطمینان از من بخواهد دریغ نخواهم کرد و در پیشرفت کار او تقویت و مساعدت خواهم نمود. اگر تغییر محل مأموریت را تقاضا نماید آن هم ممکن است. هر جا را خودش انتخاب کند تصویب و اقدام خواهم نمود. مع‌هذا اگر از من مطمئن نمی‌شود و به هیچ‌وجه رفع نگرانی از او نخواهد شد، برای مسافرت فرنگ و مساعدت مالی نسبت به مشاراًلیه نیز مضایقه نمی‌کنم اما تأسف دارم مثل کلنل شخصی که با من مدتی بستگی و اختصاص داشته است چرا باید به قول و تعهد من اطمینان نکند زیرا البته بر من ناگوار خواهد بود که به بی‌ثباتی و نقض قول منسوب باشم. البته کلنل را ملاقات و در این فقرات مذاکره

۴. بنگرید به: محمدعلی منصف. امیر شوکت‌الملک علم (امیر قانن). تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴. صص ۱۹۷-۱۸۰.

نموده به هر یک از ترتیبات فوق که میل داشته باشد او را از طرف من مطمئن و متقاعد کنید...<sup>۵</sup>

مزید بر این قوام السلطنه از مدتها قبل، پس از انتصاب خود به سمت والی خراسان، در سال ۱۲۹۷ش با کمک محمدحسین میرزا جهانبانی به سازماندهی و تقویت نیروی ژاندارمری در آن خطه پرداخته بود.<sup>۶</sup> در زمان ریاست وزرایی خود در نظر داشت این واحد نظامی را تکمیل و تجهیز کرده و امنیت کشور را به آنان بسپارد زیرا بیشترین نیروی نظامی ایران در این واحد متمرکز بود و افسران جوان و تحصیل کرده‌ای در آن خدمت می‌کردند. او از الحاق ژاندارمری به وزارت جنگ و یکپارچه شدن نیروهای مسلح در دست سردار سپه خشنود نبود. درخواست قوام السلطنه از دولت سوئد برای اعزام پنجاه نفر افسر برای تعلیم و آموزش ۵۰ هزار نفر ژاندارم این ظن را تقویت می‌کند که وی در نظر داشته است کلیه قوای نظامی ایران را به صورت ژاندارمری متشکل سازد.<sup>۷</sup>

اما هیچ یک از اقدامات و روشهای قوام در حل مسأله‌ت‌آمیز اختلاف ایجاد شده مؤثر نیفتاد. نه صمصام السلطنه و نه شوکت‌الملک نتوانستند در مکاتبات خود با کلنل، او را از قیام برعلیه دولت مرکزی بر حذر دارند. چند روز قبل از کشته شدن کلنل قرار بود میان او و شوکت‌الملک در گذار سلیمانی (نقطه فاصل بین قانات و گناباد) ملاقات و مذاکرات حضوری صورت گیرد. البته ملاقات حاصل نشد چون به کلنل خبرهای ناگواری از قوچان رسیده بود، به طوری که ناگزیر از ملاقات با وی معذرت خواست و با عجله با شمار اندکی که از مشهد با خود برد عازم قوچان گردید و طولی نکشید که در جنگ با اکراد در جعفرآباد قوچان به قتل رسید.

شانزده سند نخست این مجموعه مربوط به مکاتباتی است که در دوره نخست‌وزیری سیدضیاءالدین میان وی و کلنل یا محتصم السلطنه صورت گرفته است و روشن‌کننده نحوه ارتباط صمیمانه آنان با یکدیگر در این دوره می‌باشد. بقیه اسناد مربوط به دوران زمامداری قوام السلطنه است که از آن میان اسناد شماره ۱۷ تا ۲۶ به

۵. بنگرید به سند شماره ۲۶.

۶. قوام السلطنه فرمان انتصاب والی‌گری خود را در بهمن ۱۲۹۶ از میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء دریافت کرد. قریب دو ماه در تهران مشغول مطالعه و بررسی بود تا سرانجام در پانزدهم فروردین ۱۲۹۷ وارد مشهد شد. (بنگرید به: باقر عاقلی، قوام السلطنه، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶، صص ۷۸، ۷۷).

۷. بنگرید به: جهانگیر قائم‌مقامی، تاریخ ژاندارمری ایران، اداره روابط عمومی ژاندارمری، ۱۳۵۵، ص ۲۴۲.





نشسته از چپ: محمد ابراهیم شوکت الملک علم امیر قاننات، ابراهیم قوام الملک شیرازی  
و ایستاده از چپ: مهدی فرخ معنصم السلطنه کارگزار سیستان و خراسان [ ۱-۹۴۵ ]

مکاتبات و تلگرافات میان قوام با کفیل ایالت خراسان و کلنل اختصاص یافته است. سند  
۲۷ مکتوب اقبال التولیه به قوام در مورد اوضاع خراسان و نحوه فرار سیدجواد امامی  
(ظهیر الاسلام) تولیت آستان قدس رضوی به کمک ژاندارمهای کلنل پسیان از خراسان  
است که در سند بعدی قوام پاسخ او را داده است.

گفتنی است که ظهیر الاسلام در قسمتی از خاطرات خود ضمن تشریح رابطه اش با  
قوام به موضوع خروج از مشهد اشاره کرده و می نویسد:

قوام السلطنه ... بعد از سقوط سیدضیاءالدین وقتی به ریاست دولت رسید، اولین  
اقدامی که نمود به وسیله تلگراف به رئیس نظمیة خراسان که او هم سوئدی بود،

دستور داد مرا دستگیر و تحت بازداشت قرار دهد. رئیس تلگرافخانه هند و اروپا مشهد، مترجم‌الملک نجومی بود. او دوستی زیادی با من داشت. به مجردی که تلگرافچی تلگراف را از تهران گرفت و روی ورقه تلگراف آورد، مترجم‌الملک به ملاقات من آمده، جریان را حکایت [کرد] و گفت هنوز تلگراف را برای رئیس شهربانی نفرستادم. قبل از هر کاری شما از مشهد خارج شوید.

چاره نبود؛ جریان را به کلنل محمدتقی خان پسیان اطلاع دادم و او عده‌ای ژاندارم و یک کالسکه در اختیار من گذاشت و روانه شریف‌آباد که در دو فرسخی مشهد واقع است شده، تا از آنجا به وسیله کالسکه پستی به تهران بروم. همسر و فرزندان خود را در مشهد گذاشتم. موقعی که سوار کالسکه شده و تحت حفاظت ژاندارمها قصد خروج از شهر را داشتم افراد پلیس شهربانی، که چند دقیقه قبل تلگراف قوام‌السلطنه به آنها واصل شده بود، در میدان ارک جلوی کالسکه را گرفتند و قصد توقیف مرا داشتند که در این وقت نزاع سختی درگرفت و بالاخره ژاندارمها موفق شده و من از دروازه شهر خارج شده و در شریف‌آباد به کالسکه پستی منتقل و یک ماه بعد مخفیانه وارد تهران شدم.<sup>۸</sup>

سند شماره ۲۹ مکتوب نورمن سفیر انگلستان به قوام‌السلطنه در مورد مداخلات کلنل در امور کنسولگری مشهد است. او در این نامه رئیس‌الوزراء را مسئول اعمال کلنل پسیان دانسته که در سند شماره ۳۰ قوام پاسخ به نورمن را از طریق وزارت خارجه به کاردار سفارت انگلیس داده است.

اسناد شماره ۳۱ تا ۳۵ تلگرافات محمود نودری<sup>۹</sup> به رئیس‌الوزراء است که اهم مطالب آن به موضوعات ذیل قابل تفکیک می‌باشد:

۱. درگیری کلنل با اکراد قوچانی و شرح جزئیات آن.
  ۲. خطر حمله و تهاجم ایلات کرد به مشهد.
  ۳. پیشنهادهایی در مورد نحوه اداره مشهد بعد از قتل کلنل.
  ۴. اعزام شوکت‌الملک به خراسان جهت تصدی امور کفالت ایالت مزبور.
- اسناد شماره ۳۶ تا ۵۵ تلگرافها، مکاتبات و نامه‌هایی در مورد معتصم‌السلطنه است. این اسناد دربرگیرنده نوع رابطه نامبرده با افرادی مانند شوکت‌الملک و امام جمعه خوبی

۸. بنگرید به سالنامه دنیا، سال دوازدهم، «خاطرات سیدجواد ظهیر الاسلام»، صص ۱۶۸-۱۷۰.

۹. ماژور محمود خان نودری از افسران ژاندارمری و از همکاران نزدیک کلنل بود. پس از قتل کلنل مدتی کوتاه کفیل موقت خراسان بود. چندی بعد به تهران احضار و به نظمی منتقل شد و درجه سرهنگی گرفت. مدتی رئیس شهربانی قزوین و سپس رئیس اداره سجلات و آمار شهربانی شد و در سال ۱۳۱۲ درگذشت.

- بوده و همچنین موقعیت او را پس از قتل کلنگر پسیان نشان می‌دهد.
- نگارنده برای سهولت مطالعه علاقه‌مندان فهرست عناوین اسناد را به شرح ذیل تا حد امکان به ترتیب تقدم در تاریخ تحریر تنظیم کرده است. در مورد اسنادی که تاریخ تحریر نداشته‌اند شواهد و قرائن، ملاک تقدم و تأخر بوده است.
۱. تلگراف کلنگر محمدتقی خان پسیان به سیدضیاءالدین طباطبایی رئیس‌الوزراء در مورد دستگیری قوام‌السلطنه والی خراسان
  ۲. تلگراف کلنگر در مورد دستگیری قوام و جمعی از متنفذان خراسان.
  ۳. تلگراف کلنگر به سیدضیاء درخصوص کسب تکلیف نسبت به محبوسین و واگذاری کفالت اداره قشون و معاونت نظمی به سالار نصرت و غلامحسین میرزا
  ۴. پاسخ سیدضیاء به تلگراف کلنگر
  ۵. تلگراف کلنگر به سیدضیاء درخصوص تعطیل مطبوعات در خراسان و پیشنهاد انتشار روزنامه‌ای که ناشر افکار دولت باشد و پاسخ سیدضیاء به او
  ۶. تلگراف کلنگر به سیدضیاء در مورد پرداخت حقوق فوق‌العاده به حکام نظامی
  ۷. پاسخ سیدضیاء به تلگراف کلنگر مبنی بر موافقت با پیشنهاد او
  ۸. تلگراف کلنگر به سیدضیاء در مورد اداره تولیت آستان قدس رضوی و پاسخ سیدضیاء به او
  ۹. تلگراف کلنگر به سیدضیاء درخصوص ادغام فعالیت اداره قشون و ژاندارمری و پاسخ سیدضیاء مبنی بر موافقت با نظر کلنگر
  ۱۰. تلگراف سیدضیاء به کلنگر مبنی بر قدردانی از او و تصمیم خود در مورد اعزام حسین دادگر به ایالت خراسان
  ۱۱. پاسخ تشکرآمیز کلنگر به سیدضیاء و اظهار علاقه به او
  ۱۲. نامه سیدضیاء به وزارت مالیه در مورد پرداخت چهارصد تومان ماهیانه به کلنگر
  ۱۳. نامه سیدضیاء به وزارت مالیه مبنی بر ابلاغ تصویبنامه هیئت وزیران درخصوص پرداخت مبلغ سیصد تومان ماهیانه علاوه بر حقوق اداری به طور مادام‌العمر به کلنگر
  ۱۴. تلگراف کلنگر به سیدضیاء در مورد تغییر رؤسای ادارات در جز و پاسخ سیدضیاء به او
  ۱۵. تلگراف مهدی فرخ «معتصم‌السلطنه» به سیدضیاء در مورد اوضاع خراسان
  ۱۶. تلگراف معتصم‌السلطنه به سیدضیاء در مورد وضعیت آستانه مقدسه حضرت رضا (ع)
  ۱۷. تلگراف قوام‌السلطنه به نجدالسلطنه مبنی بر اعلام ریاست وزرایی خود و واگذاری کفالت ایالت خراسان به نامبرده
  ۱۸. تلگراف قوام‌السلطنه به کلنگر در مورد انحلال حکومت نظامی در خراسان و آزاد نمودن محبوسین

۱۹. تلگراف نجدالسلطنه به قوام و درخواست قبول معافیت از کفالت ایالت خراسان
۲۰. تلگراف قوام السلطنه به کلنل و تأکید در مورد انحلال حکومت نظامی در خراسان و واگذاری امور ابالتی به نجدالسلطنه
۲۱. تلگراف قوام السلطنه به عموم علماء و اعیان و ادارات نظامی و محلی خراسان
۲۲. تلگراف مترجم‌الملک به مخبرالدوله در مورد دستگیری خود توسط کلنل و اهانت‌هایی که به او شده
۲۳. تلگراف مترجم‌الملک به وزارت پست و تلگراف در مورد اقدامات کلنل در خراسان و اطاعت نکردن از دولت مرکزی
۲۴. تلگراف نجدالسلطنه به قوام السلطنه در مورد دستگیری توأم با توهین مترجم‌الملک توسط کلنل و درخواست جبران توهین وارده به نامبرده
۲۵. تلگراف نجدالسلطنه به قوام السلطنه در مورد اوضاع خراسان
۲۶. پاسخ قوام السلطنه به نجدالسلطنه و بی‌مورد دانستن خوف کلنل از خود
۲۷. نامه اقبال‌التولیه به قوام السلطنه در مورد اوضاع خراسان
۲۸. پاسخ قوام السلطنه به اقبال‌التولیه
۲۹. نامه نورمن سفیر انگلیس به قوام السلطنه در خصوص مسئول دانستن دولت ایران نسبت به مداخلات کلنل در امور کنسولگری مشهد
۳۰. نامه وزارت خارجه به بریجمن کاردار سفارت انگلیس در مورد عصیان کلنل و مسئول ندانستن دولت نسبت به اعمال او تا وقتی که در حال تمرد باقی است
۳۱. تلگراف محمود نوذری کفیل ایالت خراسان به قوام السلطنه در خصوص ناپدید شدن کلنل در نبرد با اکراد قوچان در جعفرآباد و خطر حمله ایلات کرد به مشهد
۳۲. تلگراف محمود نوذری به قوام السلطنه در مورد چگونگی درگیری کلنل با اکراد قوچانی
۳۳. تلگراف محمود نوذری به قوام السلطنه مبنی بر درخواست قبول پیشنهادش در امور خراسان پس از قتل کلنل
۳۴. پاسخ قوام السلطنه به درخواستهای محمود نوذری و دستوراتی به او در مورد اداره امور خراسان
۳۵. تلگراف محمود نوذری به قوام السلطنه مبنی اعزام شوکت‌الملک به خراسان جهت تصدی کفالت ایالت مزبور
۳۶. تلگراف شوکت‌الملک به قوام السلطنه در مورد معتصم السلطنه
۳۷. تلگراف شوکت‌الملک به قوام السلطنه مبنی بر ورود معتصم السلطنه به قاین

۳۸. پاسخ قوام السلطنه به شوکت‌الملک در خصوص جلوگیری از حرکت معتصم السلطنه / نامه قوام به رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر صدور تصویب‌نامه در مورد اعزام معتصم السلطنه به تهران جهت محاکمه
۳۹. پاسخ مؤتمن‌الملک رئیس مجلس به رئیس‌الوزراء مبنی بر ابلاغ رأی نمایندگان مجلس در مورد اعزام معتصم السلطنه به تهران
۴۰. تلگراف مشاورالوزاره در مورد ورود معتصم السلطنه به بیرجند و توقف در منزل شوکت‌الملک / تلگراف رئیس‌الوزراء به شوکت‌الملک مبنی بر اعزام معتصم السلطنه به تهران
۴۱. تلگراف معتصم السلطنه به مادرش مبنی بر درخواست از رئیس‌الوزراء جهت موافقت با مراجعت خود به تهران یا مشهد
۴۲. پاسخ رئیس‌الوزراء به تلگراف معتصم السلطنه
۴۳. تلگراف عزت السلطنه (همسر معتصم السلطنه) به پدرش مبنی بر درخواست مذاکره با رئیس‌الوزراء و جلب موافقت ایشان با مراجعت نامبرده به تهران
۴۴. عریضه نصرالله طباطبایی به قوام السلطنه در مورد معتصم السلطنه و پاسخ قوام به او
۴۵. توصیه‌نامه حاج میرزا یحیی خویی (امام جمعه) به قوام السلطنه در مورد عفو معتصم السلطنه
۴۶. پاسخ قوام السلطنه به حاج میرزا یحیی خویی (امام جمعه)
۴۷. تلگراف معتصم السلطنه به وزارت خارجه در اعتراض به انفضال خود از وزارت خارجه
۴۸. تلگراف جمعی از اهالی و اصناف خراسان به قوام السلطنه و درخواست مجازات برای معتصم السلطنه و عالم‌الدوله
۴۹. پاسخ تشکرآمیز قوام السلطنه به اهالی خراسان
۵۰. نامه سردار سپه به قوام السلطنه در مورد معتصم السلطنه
۵۱. پاسخ قوام السلطنه به وزارت جنگ
۵۲. تلگراف شوکت‌الملک به تیمورتاش در مورد معتصم السلطنه
۵۳. پاسخ قوام السلطنه به شوکت‌الملک
۵۴. تلگراف رضاقلی خان مافی (نظام السلطنه) به قوام السلطنه در مورد تحریکات معتصم السلطنه
۵۵. تلگراف دیگر نظام السلطنه به قوام السلطنه در مورد تحریکات معتصم السلطنه

## اسناد

[۱]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

فوری

از مشهد به تهران

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

به تأییدات باطنی حضرت ثامن الائمه و اقبال بی زوال اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحنا فداه والی خراسان و کلیه متنفذین بدون خونریزی ساعت ۷ امروز دستگیر، حکومت نظامی اعلام، از تفضلات خداوندی و نیت پاک آن یگانه رئیس معظم جای هیچ نگرانی نبوده و قوای ژاندارم تا آخرین دم نسبت به دولت و وطن وفادار خواهند ماند. ساعت ۱۱ بعد از ظهر ۱۳ حمل [۱۳۰۰] نمره ۱ محمدتقی

[۱۰۴-۲۵۰] ر

[۲]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

[به تاریخ ۱۴ حمل ۱۳۰۰]

از مشهد

به باغ

حضرت مستطاب اجل اکرم آقای عدل الملک<sup>۱۰</sup> کفیل محترم وزارت جلیله داخله دامت شوکته

پس از تقدیم تشکرات صمیمانه و قلبی از مراجع و الطاف عالیة آن حضرت اینک جواب سؤالات را عرض می شود.

از چندی به این طرف حس می نمود والی خراسان<sup>۱۱</sup> مشغول اقدامات هستند تا این که مسئله درجز پیش آمده و برای این بنده ثابت شد که خیال ایشان فراهم آوردن وسایل اغتشاش و تولید اشکالات برای هیئت دولت می باشد. چنانچه راجع به ژاندارمری که تنها رادع و مانع پیشرفت مقاصد سوء ایشان بود از هیچ گونه تزییقات فروگذار نکرده و

۱۰. حسین دادگر، معاون سیدضیاءالدین طباطبایی و کفیل وزارت داخله.

۱۱. منظور احمد قوام السلطنه است.

اتصالاً می‌خواستند اتحاد صاحب‌منصبان را به نفاق مبدل نمایند. تا اندازه‌ای [هم موفق شده بودند که دیگر صبر را جایز ندانسته و روز گذشته ساعت هفت بعدازظهر در موقعی که از گردش سیزده مراجعت می‌نمودند درحین عبور از] جلوی سربازخانه ژاندارمری با همراهان دستگیر شدند و تا الان در ژاندارمری هستند.

غیر از والی اسامی اشخاصی که تاکنون دستگیر شده‌اند از این قرار می‌باشد. میرزا قاسم خان<sup>۱۲</sup> پیشکار، سالار مظفر<sup>۱۳</sup> رئیس قشون، ماژور عبدالله خان<sup>۱۴</sup> معاون نظمیه، شجاع السلطان<sup>۱۵</sup> نایب ایاله، فتح السلطنه<sup>۱۶</sup> حاکم سابق تربت، سالار حشمت<sup>۱۷</sup> حاکم شهر، سالار خبیر،<sup>۱۸</sup> معتصم‌الملک رئیس کابینه، هژبرالملک قوچانی،<sup>۱۹</sup> حاجی حسین آقا،<sup>۲۰</sup> حاجی غلامرضای سبزواری، احمد آقا پسر رئیس تجار برادر میرزا قاسم خان.

از این عده فقط چهار نفر اخیر با ماژور عبدالله خان در دارالایاله و مابقی همه در مرکز ژاندارمری محبوس هستند. عجلتاً اعزام آقای قوام السلطنه را صلاح نمی‌داند. راجع به پیشنهادات فعلی علاوه بر این که در تلگراف نمرة ۲۰ به مقام منبع ریاست وزراء عظام عرض شده که عبارت از فرستادن فوری صاحب‌منصبان موسومه و حاضر نمودن حاضر خدمت با طالبان<sup>۲۱</sup> سمنان در شاهرود باشد، از دیاد قوای ژاندارم تا اقلاً دو هزار نفر و در صورت لزوم احضار عده از سوارهای چریک محلی لازم می‌باشد.

در صورتی که از طرف سرحدات تخطی نشود این عده برای امنیت کاملاً مکفی

۱۲. منشی مخصوص قوام السلطنه در زمانی که والی خراسان بود.

۱۳. فرمانده قشون و نیروهای خراسان در زمان والیگری قوام السلطنه، پس از وی سالار نصرت برای مدت کوتاهی از سوی کلنل پسیان به این سمت منصوب گردید.

۱۴. معاون اول برانیکوفسکی (رئیس تشکیلات پلیس)، نامبرده در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۰ از زندان آزاد و به تهران تبعید شد.

۱۵. شاهزاده شجاع السلطان برادر سالار مظفر و مشاور مخصوص قوام السلطنه در زمان والیگری اش. نامبرده در آبان ۱۳۰۰ از سوی تهران به حکومت تربت حیدریه منصوب گردید.

۱۶. شاهزاده فتح السلطنه حاکم سابق تربت حیدریه که در اوایل تیرماه ۱۳۰۰ به سمت حاکم نیشابور منصوب گردید.

۱۷. از مشاوران مخصوص قوام بود که چندین بار توسط کلنل پسیان دستگیر شد.

۱۸. رئیس سابق تلگرافخانه مشهد.

۱۹. حسین خان هژبرالملک یکی از سران سواران قوچانی بود که از سوی قوام السلطنه به کفالت حکومت قوچان منصوب شده بود.

۲۰. حاج حسین آقاملک فرزند حاج کاظم ملک‌التجار و از مالکان و تاجران سرشناس خراسان، رئیس کعبته اموال منقول آستان قدس رضوی، مؤسس کتابخانه و موزه ملک واقع در بازار تهران.

۲۱. "Battalian" گردان

خواهد بود. برای تربت و قوچان هم دستور داده شد که امیرمعمد<sup>۲۲</sup> و مشیرهمایون<sup>۲۳</sup> را دستگیر نموده تحت الحفظ [به] مشهد اعزام دارند. نمره ۷ محمدتقی [۲۴۷ و ۲۴۶ و ۱۰۴-۲۴۵]

### [۳]

#### ریاست وزراء ورقه تلگرافی

۱۷ حمل ۱۳۰۰ [۱]

نمره ۶۸

استخراج تلگراف مشهد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

ناکنون مقداری اسلحه و قورخانه، اسب و قاطر و سایر وسایل نقلیه متعلق به ایالت و سایرین توقیف شد [ه] که صورت مبسوط آن را پس از تفتیش کامل به عرض خواهم رسانید. برای توقیف پولی که به سمت سیستان فرستاده و گویا در آنجا به بانک داده‌اند، با پیشکار مالیه در مذاکره هستم، مستدعی است دستورالعمل مخصوص مرحمت فرمایند که به چه ترتیب باید با ایشان و سایر محبوسین رفتار نمود. آیا پس از پرداخت آنچه اداره مالیه صورت می‌دهد چیز دیگری هم باید اخذ نمود یا خیر [؟] و در صورت اولی تا چه اندازه [؟] آیا پس از تصفیه محاسبات و تسلیم املاک و غیره برای معالجه مسافرت اروپا را ایالت مجاز خواهند بود و یا این که باید به تهران فرستاده شوند [؟] مستدعی است در موضوع پیشنهادات، تصمیم متخذه را ابلاغ فرمایند. کفالت اداره قشونی را عجلتاً به سالارنصرت<sup>۲۴</sup> و معاونت نظمی را به شاهزاده غلامحسین میرزا تفویض نموده است. وضع اداره قشون به هیچ وجه خوب نیست لیکن عجلتاً تا قوای ژاندارم به درجه [ای] که در راپرت‌های سابق عرض شده نرسد به وجود آن محتاج هستم. یک و نیم صبح ۱۷ حمل نمره ۴۹ محمدتقی

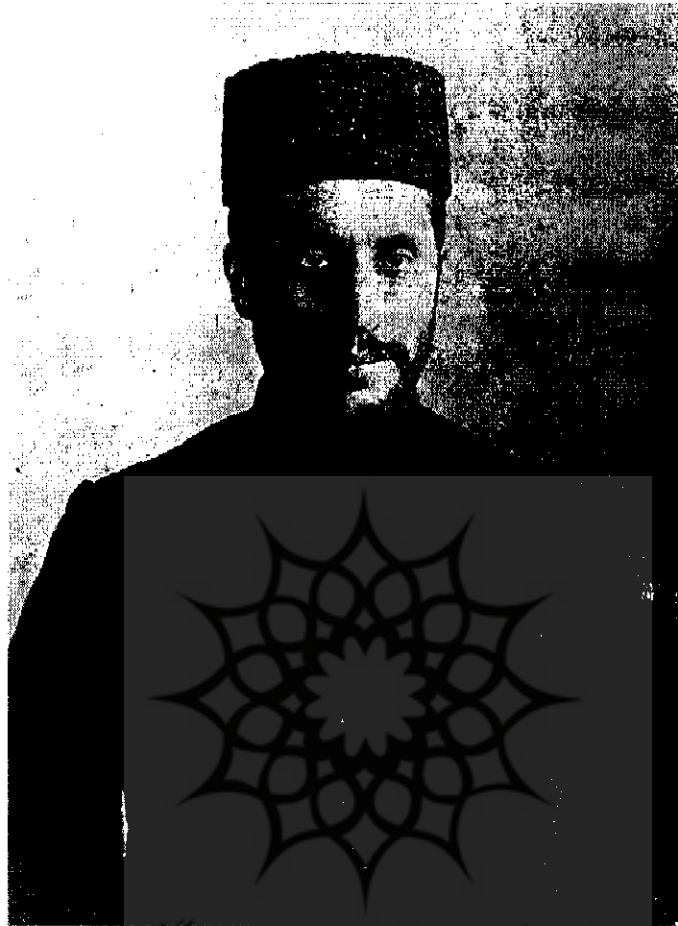
[۱۰۴-۲۲۸]

۲۲. بعد از سالارحشمت، در سال ۱۲۹۹ش از سوی قوام‌السلطنه به عنوان حاکم قوچان تعیین گردید و تا زمان دستگیری قوام در این سمت باقی بود. پس از او محمودخان نودری در قوچان حکومت کرد.

۲۳. حبیب‌الله‌خان مشیرهمایون، حاکم سابق تربت که در اردیبهشت ۱۳۰۰ به ریاست بلدیّه مشهد منصوب گردید.

۲۴. در متن «سالار نصرت» آمده.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 سید ضیاءالدین طباطبائی [۵۳-۸]  
 [۴] پرتال جامع علوم انسانی

ریاست وزراء  
 ورقه تلگرافی

شب ۱۸ حمل ۱۳۰۰ [۱]

نمره ۶۸  
 مشهد

جناب آقای کلنل محمدتقی خان  
 تلگراف نمره ۴۹ واصل [گردید]، قبلاً لازم می دانم به جناب عالی گوشزد نمایم که  
 مجاهدات و وطن پرستانه و فعالیت توأم با حسن اداره شما خیال مرا در اصلاح امور ایالتی

مانند خراسان آسوده خواهد نمود. زیرا مقدمه هر اصلاحی تزئید و تنظیم قوای نظامی است و آن هم فقط با از میان برداشتن موانع میسر نمی‌گردد.

حالی که جناب عالی لیاقت خودتان را در اجرای آمال منظوره مشهود داشته‌اید باید شروع به استفاده از وضعیات نمایید. قوای ژاندارمری ایالت خراسان باید تزئید و تکمیل و تنظیم شود و این مقصود حاصل نخواهد شد مگر با تدارک و تأمین عوایدی که شما را گرفتار مضیقه بی‌پولی نسازد. در این صورت دولت نباید فقط به وصول مالیات‌های عقب افتاده قناعت نماید.

اقدامات راجع به توقیف اسلحه قورخانه، اسب و قاطر متعلق به قوام‌السلطنه کاملاً مستحسن و مقرون به صواب است لیکن شما نباید به این درجه اکتفا نمایید. قوام‌السلطنه در عرض چند سال فرمانفرمایی خود، به وسایل مختلفه ثروت‌های نامشروعی از نقد و ملک تهیه کرده، املاک او تمام باید ضبط دولت شود. وجوه نقدینه او که قسمت اعظم آن به هندوستان و اروپا انتقال یافته باید اخذ گردد. برای این که بتوانید اطلاعات کافی در این موضوع تحصیل کنید لازم است اولاً تمام اسناد و نوشتجات ایشان را تفتیش نمایید. ثانیاً از دفاتر تجاری که بروات تجارتمی می‌فروخته‌اند اطلاعات لازمه استخراج کنید. ثالثاً از شعبه بانک شاهی مشهد تحقیقات نمایید و بالاخره در صورتی که قوام‌السلطنه تمام دارایی ملکی و نقدی خود را به دولت واگذار نماید فقط ممکن است جان او در امان باشد و از محاکمه اعمال وی در محکمه عدالت ملی مصون بماند. پس از تمام این اقدامات ممکن است چنان که گفتم تأمین جانی به او بدهید ولی از این تأمین فقط زمانی می‌تواند استفاده نماید که برای دولت یقین حاصل گردد که از ذخایر خود چیزی پنهان نکرده است. در مقابل به اضافه تأمین جانی، دولت برای مخارج خود و خانواده‌شان شهریه عادلانه مقرر خواهد داشت. پس از ختم این مسایل، راجع به آمدنشان به تهران یا رفتنشان به اروپا از راه سیستان با مشاوره جناب عالی عقیده خود را اظهار خواهم داشت. اما راجع به محبوسین لازم است بدو با اطلاع مالیه تمام مطالبات معوقه دولت را وصول نمایید و پس از فراغت از این اقدام هویت اشخاص را با عقاید خودتان اطلاع دهید تا در ثانی تعلیمات داده شود. راجع به کفالت اداره قشونی و معاونت نظمیه و سایر انتخابات و اصلاحات آنی که لازم است آنچه مقتضی می‌دانید به مسئولیت خود اقدام نمایید، این جانب به‌طور مساعده تصویب می‌نمایم.

[ادامه به خط دیگر:]

راجع به سربازها و قوای قشونی من ترجیح می‌دهم اگر نفرات قشونی ضمیمه ژاندارمری بشود و برای این که در این موضوع بتوان تصمیم اساسی اتخاذ نمود لازم است عدّه ژاندارم و همین‌طور عدّه نفرات قشونی را اطلاع دهید.



سید ضیاءالدین طباطبایی (نشسته در وسط) و همراهان وی در سفر به شوروی در باکو، ایستاده از راست نفر ششم کاظم خان سیاح، نفر هفتم محمد ساعد، نفر نهم باقر کاظمی [۱-۷۶۵]

یکی از مسایل مهمه که باید مدنظر قرار دهید مسئله جمع‌آوری اسلحه است. معتقد هستیم فوراً حکومت نظامی را در شهر مشهد اعلان و اسلحه متفرقه را جمع‌آوری بکنید. برای اینکه بتوانید کاملاً موفق شوید هر طریقی را که صواب می‌دانید اتخاذ کنید. اقدام به جمع‌آوری اسلحه اگر از سایر نقاط هم تهیه شود مضایقه نکنید.

[۲۲۵ و ۲۲۶-۱۰۲ار]

[۵]

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

۷ ثور ۱۳۰۰ [۱]

نمره ۱۷۴

استخراج تلگراف مشهد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

روزنامه‌جات مشهد که سابقاً به مدح این و آن اداره [می‌شده] و مایه شخصی نداشته

اینک دچار عسرت شده و با اینکه اجازه انتشار کلیه جراید داده شده است در عرض هفته یک ورق نیز انتشار نمی‌یابد و به این واسطه نشر اخبار و ابلاغیه‌ها فوق‌العاده به تأخیر می‌افتد. به عقیده این بنده لازم است از طرف حکومت، روزنامه مخصوص تأسیس و ناشر افکار دولت حاضر در این حدود باشد. مخارج این مجله در ماه از دویست و پنجاه الی ۳۰۰ تومان تخمین شده، چنانچه نظر عالی مساعد باشد اجازه اقدام فرمایید. ۷ ثور نمره ۳۴ محمدتقی

[حاشیه: نمره ۱۷۴-۱۱ ثور / ۳۰۰] [۱]

[پاسخ سیدضیاء] مشهد رمز شود.

جناب کلنل محمدتقی خان

تلگراف رمز نمره ۷۳۴ ثور واصل [شد]. یکی از مسایل مهم و لازمی که فراموش شده همین مسئله تبلیغات است. البته می‌دانید که جناب عالی از دوراه بایستی افکار عمومی را اداره نمایید. اول عملیات [درخشان و اقدامات مفیده است که خوشبختانه جناب عالی این قسمت را طبعاً واجد هستید. قسمت دوم فهماندن این عملیات و حالی کردن این تصمیمات است که به انتشار جراید مخصوص محتاج است. جناب عالی لازم است دو سه جریده را به‌طور غیرمستقیم اداره کرده، شعبه تبلیغات دولتی قرار دهید. مصارف هرچه ضرور باشد جمعاً پیشنهاد کنید فوراً اعتبار صادر می‌شود.

[۱۷۳-۱۰۴] [۱]

[۶]

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

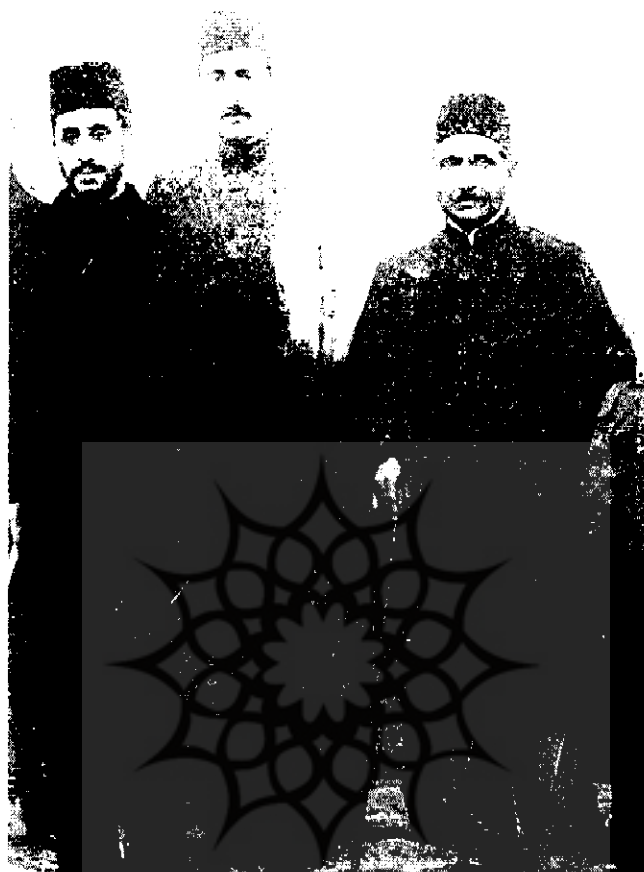
۱۵ ثور ۳۰۰ [۱]

استخراج تلگراف مشهد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

حسب الامر از وزارت جلیله مالیه دستوری به اداره مالیه رسیده که بودجه حکومتی را از بدو تغییر نپردازد و صاحب منصبان بایست با حقوق خود متصدی امورات حکومتی بشوند. با اینکه قبل از وصول این امر مفاد آن را در حق شخص خود اجرا<sup>۲۵</sup> داشته بود لازم دانست، خاطر مبارک را مستحضر دارد که اولاً به واسطه نبودن صاحب منصب،

۲۵. در متن «اجری» آمده.



از چپ: سید ضیاءالدین طباطبایی، عدل‌الملک دادگر، میرزا حسن خان مشار‌الملک. [۴۵-۴]

اغلب حکام سابق در محل خود برقرار و ترسبز به نظامیان سپرده شده و قطع حقوق کلینه حکام غیرمنسوخ مخصوصاً [۱] در موقعی که از طرف بنده استفاده از حقوقات ده یک و ده نیم قدغن و ارسال این قبیل وجوهات به مشهد اخطار شده است. ثانیاً حکام نظامی نیز به واسطه تصدی امورات حکومتی و مخارج فوق‌العاده فقط با حقوق خودشان نمی‌توانند امرار معاش نمایند و اقلماً فوق‌العاده بایست منظور بشود و از همین قرار برای حمل دستور داده شده بود. با وجود این، نظر به آن که حوالجات برج حمل صادر و به حکام ارسال شده بود محض اجرای اوامر مطاع هیئت دولت از پیشکار مالیه خواستم تلگرافاً به امنای مالیه قدغن نماید در صورتی که وجه حوالجات را نپرداخته باشند از تأدیة وجه خودداری نموده منتظر حکم ثانوی است. به هر ترتیبی که مقتضی دانسته و

امر فرماید رفتار شود. ۱۳ ثور نمره ۵۱ محمدتقی  
[سجع مهر مستطیل:] آرشیو کابینه ریاست وزراء نمره ۱/۲  
[در حاشیه:] برج حمل و ثور را مالیه بدهد تا تکلیف برج جوزا معلوم شود.  
[پاسخ سیدضیاء به کلنل که در سند بعدی آمده در حاشیه همین سند نیز مکتوب است.]  
[۳۰۱۲۸-ن]

[۷]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۲۶۱۰

۱۷ ثور ۱۳۰۰

مشهد

جناب آقای کلنل محمدتقی خان دام اقباله  
تلگراف رمز نمره ۵۱ واصل [شد.] مطلب همان است که از مالیه دستور داده‌اند ولی  
به طوری که اظهار داشته‌اید با مراقبتی که در جلوگیری از منافع غیرمشروع شده برای  
تشویق و قدردانی مأمورین به موجب [این] حکم جناب عالی مجاز هستید لغایت برج  
حمل و ثور، به طوری که مقتضی می‌دانید از اداره مالیه حقوق حکام را دریافت نمایند تا  
برای برج جوزا تکلیف قطعی معین شود.  
[سجع مهر مستطیل:] آرشیو کابینه ریاست وزراء نمره ۳/۲

[۳۰۱۲۶-ن]

[۸]

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

به تاریخ ۲۱ ثور ۱۳۰۰ [۱]

نمره ۲۴۰

استخراج تلگراف مشهد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دستخط تلگرافی نمره ۲۲۳ زیارت [شد.] در موضوع ایراد تولیت همین جواب را  
داده بودم. مقصود این بود که از مقصود ایشان مسبوق باشند و چنانچه مخابره تلگرافی  
دیروزشان هم از این نظر بود با احساس این که در احضار مشکلاتی بوده است، لازم

است عرض کنم شرکت تامی در یک قسمت از خرابی‌ها داشته و حتی الامکان در پرده‌پوشی جدیت و کوشش خواهند نمود. دور نیست در ضمن تفتیشات اعمال ایشان نیز کشف شده و مجبور به کناره‌گیری شوند. خاطر مبارک مطمئن باشد که با مراحم مخصوصه بندگان حضرت اشرف امورات کاملاً بر وفق مرام انجام خواهد یافت. امروز مذاکرات راجع به خدمه داخلی آستانه مقدسه خاتمه یافت و امیدوارم تا ۱۵ ماه رمضان خدام جدید با لباسهای مرتب خدمات مرجوعه را در صحن و حرم مطهر عهده‌دار شوند. در موضوع نشر ابلاغیه‌های مرکزی و اعلانات به هیچ‌وجه کوتاهی نشده، برای اداره کردن سه جریده به‌طور غیرمستقیم، در ضمن تلگراف رمز نمرة ۶۸، ۴۰۰ تومان اعتبار استدعا شده است. ۲۰ ثور نمرة ۶۹ محمدتقی

[حاشیه پانین: نمرة ۲۴۰ - لیلۃ ۲۲ ثور / ۱۳۰۰]

آقای عدل‌الملک

جناب کلنل محمدتقی خان؛ تلگراف نمرة ۶۹ واصل از نظریات و انتخابات درخور تحسین جناب عالی آگاه شدم.

[۱۷۵-۱۰۴]

[۹]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

۲۱ ثور ۱۳۰۰ [۱]

نمرة ۲۳۸

استخراج تلگراف مشهد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

در ضمن تلگراف گذشته عرض کرده بودم [م] که عده [ای] از افراد و صاحب‌منصبان قشونی را جزء ژاندارمری نموده و کفیل ژاندارمری را دستور داده‌ام به امورات آن اداره نیز رسیدگی نماید. اینک قریب به ۱۰۰۰ نفر افراد حاضر خدمت و صاحب‌منصبان جوان با اصول و نظامات ژاندارمری مشغول خدمات [هستند] و فقط هیئت رئیسه و چند نفر توپچی به حالت سابق باقی مانده‌اند. با این تفصیل دیگر به دو اداره تقسیم شدن جز مخارج بیهوده و اختلال امور فایده دیگری نخواهد داشت. در صورتی که بندگان حضرت اشرف تصویب می‌فرمایند هر دو اداره یکی شده و در تحت اصول و نظامات واحد اداره شوند. بودجه برای یک قوه سه هزار نفره تهیه شده که در همین دو روزه توسط دفتر تشکیلات ژاندارمری تقدیم خواهد شد. ۲۰ ثور نمرة ۷۲ محمدتقی

[حاشیه: نمره ۲۳۸ لیلۀ ۲۳ ثور / ۱۳۰۰]

[پاسخ سیدضیاء به کلنل] جناب کلنل محمدتقی خان، تلگراف نمره ۷۲ دایر به لزوم وحدت اداره نظامی واصل [شد]. با عقیده جنابعالی موافق هستم. هر طور مقتضی است اقدام بنمایید. وصول بودجه را انتظار می‌برم.

[۱۷۸-۱۰۴ار]

## [۱۰]

وزارت داخله

مورخه ۲۲ ثور ۱۳۰۰

نمره ۲۵۱

رمز نمایید

جناب کلنل محمدتقی خان

قبل از همه چیز لازم می‌دانم احساسات مسرت‌آمیز خود را از حسن اداره و لیاقت جناب عالی اظهار و ابراز نموده اعتراف نمایم که با نهایت صداقت و تقوی تاکنون وظیفه خود را ایفا نموده‌اید. قدردانی از زحمات جناب عالی را به سلیقه و میل خودتان حواله کرده، مخصوصاً خواهش می‌کنم با کمال صراحت به من بگویید چه طور و به چه وسیله مایلید که قدردانی از جناب عالی شود و شما را آزاد می‌گذارم که به میل خودتان به این جانب پیشنهاد کنید. خیلی مایل بودم حکومت نظامی و این زحمت روزافزون جناب عالی را امتداد داده بیش از این از صمیمیت و لیاقت شما برخوردار می‌شدم ولی وظایف سنگین جناب عالی در تشکیل ژاندارم خطه شرق و استفادات نظامی که از مهارت شما انتظار می‌رود با احتیاجات کشوری که در خراسان حاصل است و ساعت به ساعت بر آن احتیاجات افزوده می‌شود و با فعالیت‌های همسایه‌ها که قریباً شروع خواهد شد تحمیل تمام این زحمات‌ها را به شخص محترم شما برخلاف عدالت می‌دانم و به اصول تجزیه و تقسیم مصمم هستم که این گرفتاری‌ها را یک قسمت بر آقای عدل‌الملک تحمیل نمایم. این است [که] با نهایت احتیاجی که از حضور ایشان در نزد خود دارم، برای مصالح دقیق آن خطه ایشان را قریباً به سمت ایالت خراسان انتخاب می‌کنم. قطع دارم در نتیجه حسن عقیده و اعتماد بیش از تخمینی که معزی‌الیه به جناب عالی دارد کارها به معاضدت جناب عالی و ایشان به مدار حقیقی خودش سیر خواهد کرد. معزی‌الیه خیال ندارند از تهران سمت خود را رسماً اعلام نمایند بلکه مترصدند که از سمنان یا دامغان تلگراف رسمی خود را مخابره نماید و این پیش‌بینی



برای این است که از تحمیلات بی موقع رهایی یابند ولی معلوم است حرکت از تهران ایشان رمزاً به جنابعالی اطلاع داده خواهد شد. چون آقای عدل‌الملک مایلند که به شخصه حامل مراتب حق‌شناسی این جانب از جناب‌عالی باشند این است که منتظرم فوراً همان‌طور که در ابتدای تلگراف اشارت کرده‌ام خودتان تشخیص نمایند که چه مساعدتی را از دولت انتظار دارید که به نام قدردانی معمول شود.

[۲۶۰ و ۲۵۹-۱۰۴ار]

### [۱۱۱]

#### ریاست وزراء ورقه تلگرافی

نمره ۲۵۳

استخراج تلگراف مشهد

۲۴ ثور ۱۳۰۰ [۱]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دستخط تلگرافی نمره ۲۵۱ زیارت [شد]، آنچه فکر می‌کنم خدمت جز ادای وظیفه نکرده و پاداش جز همان رضایت خاطر بندگان حضرت اشرف نباید انتظار داشته باشم. از روی حقیقت عرض می‌کنم مشاهده این که پس از تحمّل مصایب و شداید یک مرتبه در عمر خود در رأس دولت شخص عالم و توانا و بی‌غرض و فعّالی را دیده و می‌بینم که خادم و خائن را فرقی و هر یک را مجازات و مکافاتنی است. از هرگونه جایزه و امتیازی بالاتر و هر قدر در یک چنین عصری خدمت کرده باشم باز خود را ناقابل و نالایق می‌دانم و مخصوصاً در این موقع که تسریع حرکت بندگان حضرت آقای عدل‌الملک تصمیم فرموده‌اند خود زیارت وجود محترم ایشان و استحضار به کفایت و درایت حضرت معظم‌له با بزرگ‌ترین مساعدت‌ها مقابل و بلکه برتر است. اگر باز برای تشویق دیگران بخواهند بنده را به امتیازی مفتخر و سرافراز فرمایند در انتخاب آن خود حضرت اشرف مختارید. تاکنون یاد ندارم که برای خود در خواستی کرده و اسباب مزاحمت اولیاء دولت را فراهم کرده باشم و به همین ملاحظه اغلب از حقوقات حقّ‌ام صرف‌نظر کرده‌ام. در خاتمه علاقه مفرط قلبی خود را به موفقیت و عزّت آن حضرت تجدید نموده و اطمینان می‌دهم نسبت به مقام که نه فقط مثل یک مرنوس مطیع باقی خواهم ماند بلکه محبت آن وجود مقدس را در اعماق قلب خود ذخیره خواهم نمود. ۲۳ ثور نمره ۸۱ محمدتقی

[حاشیه: باید جواب داده شود فعلاً نگاه دارید [امضاء سیدضیاء] ضبط شود.

[۲۵۸-۱۰۴ار]

[۱۲]

ریاست وزراء

تاریخ ارسالی ۲۲ ثور ۱۳۰۰

نمره کتاب ثبت ۳۰۱۳

وزارت مالیه

لازم است به فوریت چهارصد تومان ماهیانه به آقای کلنل محمدتقی خان برای مخارج اتفاقیه و ضروری بدون آن که مورد خرج تفتیش شود پرداخت نمایند. دستور فوری به پیشکار مالیه خراسان داده شود.

[سجع مهر مستطیل: آرشيو کابینه ریاست وزراء نمره ۱/۳]

[ن.۳۰۱۲۵]

[۱۳]

ریاست وزراء

تاریخ ارسالی ۲۸ ثور ۱۳۰۰

نمره کتاب ثبت ۳۲۴۵

وزارت مالیه

نظربه فعالیت نظامی و کمال توانایی و لیاقت که در انجام خدمات مهمه از آقای کلنل محمدتقی خان مشاهده شد، هیأت وزراء به پاس خدمت ایشان در جلسه ۲۷ ثور تخاقوی نیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند علاوه بر حقوق اداری که به اقتضای شغل و درجات نظامی دریافت می کنند مادام العمر همه ماهه مبلغ سیصد تومان از تاریخ اول جوزا چه در حالت خدمت و چه در موقع استراحت و بیکاری به کلنل محمدتقی خان پرداخته شود. تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

[در حاشیه: سواد به وزارت داخله، اصل تصویب نامه در کارتن مخصوص ۴۱ نمره ۷۳ ضبط است. آقای میرزا آقاخان، حکم کلنل را به آقا عدل الملک بدهند و تکلیف بخوانند.

[ن.۳۱۳۱۴]



کشتل محمدتقی خان پسیان به اتفاق مازور اسماعیل خان بهادر یکی از افراد تحت فرماندهی خود [ ۱-۲۲۲ ]

[۱۴]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

نمره ۳۱۰

استخراج تلگراف مشهد

۳۰ جوزا ۱۳۰۰ [۱]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

نظر به این که در این موقع تغییر کلیه رؤسا ادارات ولایت دره‌جز خصوصاً رؤساء پست و تلگراف را که رئیس اردوی اعزامی اظهار عدم اعتماد به آنها نموده بود، لازم است به رؤساء ادارات که اخطار نمود مأمورین جدیدی اعزام دارند. ضمناً استدعا دارد معین فرمایند آیا مجازم برای این قبیل تغییرات فوری و لازم و یا اینکه باید قبلاً از مقام منبع کسب اجازه نمایم. ۲ جوزا نمره ۱۰۵ محمدتقی

[در حاشیه پاسخ سیدضیاء:] جناب کلنل محمدتقی خان، تلگراف رمز نمره ۱۰۵ واصل [شد]، به وزارت پست (یعنی به معاون وزیر پست و تلگراف) نوشته شد که در تغییر اشخاص غیرمعمد اقدام فوری نمایند. در این قسم مطالب همان‌طور که خودتان تشخیص داده‌اید استعمال از مرکز بهتر است. از آن قسمت که در ذیل آن خط کشیده‌ام سوادی به وزارت پست فرستاده شرحی هم خصوصی بنویسید که تقاضای کلنل محمدتقی خان بهتر است رعایت شود. [۱۵۱-۱۰۴ا]

[۱۵]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

نمره ۶۰

استخراج تلگراف مشهد

۱۶ حمل ۱۳۰۰ [۱]

وزارت خارجه، مقام رفیع ریاست وزراء عظام

با دلیلی که موقع استجازه مرخصی حضوراً عرض کردم پاره‌ای مطالب را نمی‌توانم به وزارت خارجه عرض کنم. مستدعی است مطالب لازمه را مقرر فرمایند به نظر حضرت آقای وزیر خارجه هم برسانند. در چند روزه ورود، مطالعات لازمه و تحقیقات کافی در جریان امور مهمه نموده است. چون وضعیت خراسان و تصورات قوام‌السلطنه مهم بود چنانچه تا حال دو بیانیه اخیر را نشر نداده است به عرض نموده محرمانه عرض می‌شود زبردست خان دره‌جزی که مدتی است در مشهد مقدس توقیف بوده بعد از

گرفتن مبلغی از او روانه دره‌جز شده مطابق تحقیقات کامله، پس از تغییر رژیم مرکز ایالت متزلزل و نقشه‌ای طرح نموده که به آن واسطه دولت به وجود او محتاج و خیال تغییر او را نمایند، ضمناً متضمن استفاده هم باشد. در اثر این نقشه زبردست خان بعد از ورود به دره‌جز به واسطه احتیاج ایالت به او از موقع استفاده کرده و دشمنی خانوادگی را اجری (اجراء) [کرده]، رضاخان [را] مقتول و خداویردی را به دره‌جز دعوت [کرده]، مشارالیه به دره‌جز ورود [نموده] و مشغول گرفتن سوار شد. ایالت بعد از سه روز منصورالملک پیرمرد نود ساله را به حکومت آنجا معین و روانه نموده. بالاخره مثل سنه ماضیه دو بیست هزار تومان دیگر به دولت تحمیل [کرده] و مخصوصاً [شهرت و عهدنامه را تجدید] [کرده] که اگر هم خیال تغییری باشد دولت منصرف شود. طرفدارهای مخصوص ایالت که عمده آنها دموکرات و حاجی محمدجعفر کشمیری است علناً از دولت تنقید نموده و پروپاگاندا ضدیت با حکومت مرکز را شدیداً مشغول هستند. ارکان حضرات نیز تازه بهار و مهر منیر به‌طور تنقید و بی‌اعتنایی مقالات می‌نویسند که البته ملاحظه فرمودید. این قسمت به قدری از پرده خارج شده است که جنرال قنسول انگلیس از بنده علی‌الاستمرار مخالفت دموکرات را با رئیس‌الوزراء استفسار می‌نمود و نیز رئیس‌التجارت و سایر انصار ایالت نظر به اینکه بنده از مأمورین دولت حالیه هستم برای تهدید و یا حقیقت امر اظهار می‌کنند خراسانی‌ها بی‌غیرت نبوده، در موقع لزوم ما هم اعلام استقلال می‌کنیم. درباب اسلحه هم البته تا حال سردار افخم شرفیاب شده و تفصیل را عرض نموده، فدوی هم صورت جزء آن را با صورت جزء... مالیاتی از روی اسناد همین چند روزه به عرض می‌رسانم. وضعیت خراسان خیلی مهم و قابل دقت مرکز است و عملیات ملوک‌الطوایف جلوگیری نموده تا دولت بتواند با تدابیر و دیپلوماسی قدرت تهران را در خراسان به جریان بیاورد. شب ۲۳ رجب نمره ۴۴/۳۴ معتصم‌السلطنه

[حاشیه:] ملاحظه شد، ضبط شود [امضاء سیدضیاء] [۲۲۹ و ۱۰۴-۲۳۰ ار]

## [۱۶]

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

۷ ثور ۱۳۰۰ [۱]

نمره ۱۷۰

استخراج تلگراف مشهد

وزارت خارجه، مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

نظربه اینکه ذات مقدس عالی برای اصلاح امور مملکت فداکارانه دامن همت به کمر

زده‌اند، جسارت [۱] به عرض می‌نماید وضعیت آستانه مقدسه رضوی طوری نیست که هیچ قلمی شرح دهد. مال‌الاجاره هذه السنه را به عنوان طلب و قرض آستانه خود مستأجرین که طلب‌کار هستند نمی‌دهند. قرض ۶۰ هزار تومان با نفع صد دوازده و صد ۱۸ قرض آستانه است. امور داخله آستانه به واسطهٔ اعضاء غیرقابل انفصال در فجیع‌ترین احوال است. مؤسسات خیریه در کمال عسرت و پریشانی امرار حیات می‌کنند. وضعیت اقتصادی طوری است که نظارت خانهٔ آستانه برای مخارج یومیه سرگردان و ناهار\* و شام زوار و مستخدمین معطل و به واسطهٔ خرابی اداره به جریان انداختن آن غیرممکن [است]. وجهه\*\* عمومی داخلی برای هر مسلمانی مبکی و غیرقابل تحمل است. در موقعی که ناظر این منظر شرم‌آور فجیع هستم با حضور کننل محمدتقی خان برای اصلاح امور آستانه از طرف تولیت دعوت شدم، آقای ظهیرالاسلام با جدیت شدیدی اظهار اصلاح‌طلبی می‌نمایند. تعاطی مذاکرات زیاد ولی استنباط فدوی ممکن است غلط باشد، جدی بودن ایشان را احساس می‌نمایند. اینست که گذشته از فرایض مسلمانی و جنبهٔ دیناتی در موقع زمامداری فداکار متدینی مثل وجود مبارک تصور می‌کند عدم اصلاح آستانه از انصاف دور باشد. افکار عمومی نیز با یک بی‌صبری فوق‌العاده منتظر است که دست توانای رئیس‌الوزراء چه دقیقه برای اصلاح آستانه دراز خواهد شد. نظر به اطلاع کاملی که به وضعیات دارید بیشتر تصدیق نداده، از آن مقام رفیع استدعا دارد که در صورتی که اصلاح امر آستانه با وضعیات سیاسی مقتضی می‌دانید امر و مقرر فرمایید حکومت نظامی در اجرای اصلاحات آستانه با تولیت مساعدت نمایند و یا عدهٔ ژاندارم و یک صاحب‌منصب در تحت اختیار متولی‌باشی بگذارند که مجری اصلاحات مزبوره باشد و ضمناً دو نفر مفتش امین محرمانه از طرف خودتان معین فرمایید که سوءاستفاده نشود. فدوی را برای عضویت... اصلاحات دعوت کرده ولی قبل از این که رأی مبارک را بدانم حاضر نخواهد شد و در صورتی که رأی مبارک به اصلاح آستانه تعلق گیرد با کمال افتخار متعهد هستم که مطابق میل مبارک مستقلاً به کمک متولی‌باشی به اصلاحات شروع و یا کمک نمایم منوط به رأی مبارک است. نمره ۳۳۹ فدوی معتمد السلطنه

[حاشیه:] چند روز بعد یادآوری کنید. ضبط شود.

[۱۹۶ و ۱۹۵-۱۰۴ار]

\* در متن «نهار» آمده است. \*\* در متن «وجه» آمده است.



[۱۷]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول شب ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

از تهران به مشهد

جناب اجل آقای نجدالسلطنه زید اقباله

حسب الامر بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه، این جانب مأمور تشکیل کابینه جدید شده‌ام. نظر به حسن عقیده که به کفایت و کار آگاهی جناب عالی دارم، کفالت ایالت خراسان را مستقلاً به عهده جناب عالی واگذار می‌نمایم. باید همه روز در ارگ ایالتی حاضر شده، به حل و عقد امور مشغول باشید و با بصیرت و اطلاعاتی که در امور خراسان دارید موجبات حسن انتظام و آسایش عامه را از هر جهت فراهم نمایید. ادارات ژاندارمری و نظام و کلیه ادارات محلی باید احکام شما را مجری دارند و همین‌طور به آنها دستورالعمل داده شده است، محبوسین ایالتی و تولیت نیز چنان که به ریاست ژاندارمری تلگراف شده است باید فوراً مستخلص و اموال آنها به توسط جناب عالی رد شود و رسید آنها را تلگرافاً اطلاع دهید. ۹ جوزا قوام السلطنه رئیس الوزراء [۳۰۳۸۴-ن]

[۱۸]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول شب ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

از تهران به مشهد

به توسط آقای نجدالسلطنه، کفیل ایالت خراسان آقای کلنل محمدتقی خان رئیس ژاندارمری خراسان

به موجب دستخط تلگرافی بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه که زیارت می‌نمایید و تلگراف متحدالمالی که این جانب حسب الامر اقدس الاعلیٰ مخبره نموده است کابینه سابق منفصل و این جانب مأمور تشکیل کابینه جدید شده‌ام. نظر به این که از این تاریخ بقای حکومت نظامی در خراسان ضرورت ندارد اعلام می‌کنم که حکومت نظامی را در خراسان از این تاریخ منحل نموده، امورات ایالتی را به جناب اجل آقای نجدالسلطنه تحویل و واگذار نمایید و خودتان مشغول کارهای ژاندارمری باشید، و نیز لازم است اشخاصی را که قدیمأ و جدیدأ در مشهد حبس و توقیف





شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
صمصام السلطنه بختیاری [۴۶۲-۱۸]

نموده‌اید غیر از اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت شده‌اند، از حبس خلاص کنید، مخصوصاً جنابان حاجی قائم‌مقام و رئیس‌التجار و میرزا قاسم خان و عموم خدّام آستانه مبارکه را از توقیف خارج نموده و آنچه در این مدت از توقیف‌شدگان گرفته شده است تمام و کمال به توسط جناب اجل نجد السلطنه - کفیل ایالت - تسلیم صاحبانش کرده، قبض دریافت داشته، تلگرافاً اطلاع دهید و در پیشرفت امور ایالتی باید تابع امر و نهی جناب آقای نجد السلطنه باشید. ۹ جوزا قوام السلطنه رئیس‌الوزراء

[۳۰۳۸۲ و ۳۰۳۸۳ - ن]

[۱۹]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به تهران

تاریخ وصول صبح ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

مقام منبع آقای رئیس الوزراء دامت عظمته

تلگرافات مطاع مبارک را آقای مترجم الملک - رئیس تلگرافخانه - یک ساعت قبل از آفتاب رسانده، زیارت نمود. از پیش آمد جدید و حصول آسایش خاطر مبارک دنیا مسرور و متشکرم ولی متأسفانه به واسطه کسالت ممتده سنواتی خصوصاً بروز سودای جلدی و زخم شدن دست که از تحریر هم عاجزم از قبول خدمت مقرره معذرت می خواهم. با اوضاع حالیه و ترتیبات حکومت نظامی در اکثر از ولایات خراسان هر کس قبول خدمت نمایند باید در شبانه روز ۱۵ اقل ۱۶ ساعت جداً مشغول کار و خدمت باشد. فدوی قوه و طاقت پنج ساعت کار کردن در شبانه روز را ندارم. مستدعی است فدوی را معاف فرمایید. گمان می کنم خاطر مبارک در دولتخواهی و صمیمیت و صدق فدویت فدوی بهترین شاهد و گواه است. به عقیده ناقص و عقل قاصر من چنانچه تا اعزام والی جدید انجام مقررات و مکنونات را از شخص آقای کلنل محمدتقی خان بخواهید بهتر باشد، تارای مبارک با مطالعات عمیقه در اطراف کار و جزئیات امور چه اقتضا فرماید. فدوی نجدالسلطنه

[۳۰۳۷۸-ن]

[۲۰]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تهران به مشهد

تاریخ وصول شب ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

به توسط آقای نجدالسلطنه - کفیل ایالت خراسان - به ریاست قشون خراسان

چون بقاء حکومت نظامی در خراسان ضرورت نداشت و حکم به انحلال آن صادر شد. لهذا کفالت ایالت خراسان به عهده جناب اجل نجدالسلطنه واگذار و دستور لازم به ایشان و به ریاست ژاندارمری داده شد. باید اداره نظام نیز خود را تابع احکام کفیل ایالت دانسته، از صواب دید و احکام ایشان تخلف ننماید. ۹ جوزا قوام السلطنه ریاست وزراء

[۳۰۳۸۶-ن]

## [ ۲۱ ]

## اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تهران به مشهد تاریخ وصول شب ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

به عموم علماء و اعیان و ادارات نظامی و محلی خراسان اخطار می شود برحسب امر قدر قدر بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه مقرر است که حکومت نظامی در مرکز ایالت و تمام ولایات جزئی خراسان و سرحدات منحل و از این تاریخ امورات محلی جریان عادی و طبیعی عود نماید. مدلول این تلگراف را به تمام اهالی ابلاغ نموده در جزء و کل امورات از جناب اجل نجدالسلطنه کفیل ایالت دستور بخواهند. شب ۱۰ جوزا قوام السلطنه رئیس الوزراء

[ن-۳۰۳۸۵]

## [ ۲۲ ]

## اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به تهران تاریخ وصول ۱۰ جوزا [۱۳۰۰]

حضور حضرت بندگان اجل آقای مخبرالدوله روحی فداه برای انجام وظیفه حسب الامر حضرت اشرف ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمت، پس از آن که کلنل مانع از انتشار دستخط شد و ناچار برای ادای وظیفه اداری خودم شروع به انتشار نمودم. ایشان مطلع [شده]، الساعه آمده اند تلگرافخانه، بنده را دستگیر [کرده] و کتک زیاد زدند. معتمدالوزراء رئیس پست را به جای بنده گذاشتند و تا سرحد امکان فحاشی نمودند و معلوم نیست حالا کجا می برندم و چه معامله ای با بنده خواهند کرد. اجزاء را هم، تمام بیرون کردند. اداره تعطیل شد. خداحافظ. این است نتیجه وظیفه شناسی. حالا دیگر موقوف به بزرگواری حضرت اشرف ریاست جلیله وزراء عظام است. مترجم الملک<sup>۲۶</sup>

[ن-۳۱۰۲۶]

۲۶. حسن نجومی (مترجم الملک) رئیس تلگرافخانه مشهد.

## اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به تهران

مقام محترم وزارت جلیله پست و تلگراف دامت شوکته

از قرار معلوم موقعی که کلنل تلگرافخانه را متصرف و با تهران مشغول مذاکرات بود مجلسی مرکب از چهار نفر اشخاص ذیل: قنصل انگلیس، مسیو دوپوا - پیشکار مالیه - مسیو برانیکوفسکی - رئیس نظمی - و خود کلنل در قنصلگری انگلیس تشکیل شده، صحبت در زمینه عدم اطاعت و سرکشی بوده. رئیس نظمی استنکاف نموده و اظهار داشته من نوکر دولت هستم، در هر عصری مطیع اوامر دولت خواهم بود، اگر مرا مخالف با نظریات خودتان می دانید، به فوریت حرکت به تهران خواهم نمود. مذاکرات بی نتیجه مانده و متفرق شده اند. بعد کلنل به نظمی رفته، کلیه صاحب منصبان را حضور خواسته، بدو نامربوط زیادی نسبت به بنده گفته و بعد تلگرافاتی که از زمان انفصال آقا سیدضیاءالدین با تهران مبادله نموده قرائت نموده و نطق مفصلی مبنی بر خدماتی که در این مدت نموده اظهار داشته و در خاتمه می گوید: این مملکت لایق فداکاری و خدمت‌گزاری نیست. به حکم احساسات یا به حکم زور باید دفاع از حقوق خود بنمایید. بعد آمده به ارگ حکومتی از کلیه طبقات اعیان و رجال دعوت نموده، به طوری که [در] نظمی صحبت کرده بود در آن مجلس هم کلیه تلگرافاتی که با تهران مبادله شده قرائت نموده و سپس اظهار می دارد هرگاه دولت موافق اصولی که پیشنهاد کرده ام مساعدت و موافقت ننماید برای تأمین آتیه خود و اتباعم و جبران عدم قدرشناسی خدماتم تا آخرین قطره خون برای شهادت در میدان جنگ حاضر خواهم بود و از طرف شما آقایان انتظار و توقع هیچ‌گونه مساعدتی ندارم، فقط حرکت مخالفی نکنید که باعث زحمت و ندامت خودتان خواهد شد. در جواب آقایان حضار خدمات ایشان را قدردانی نموده و تقاضا کرده اند، اجازه بدهید ما با مرکز داخل مذاکره بشویم. پذیرفته نشد و بالاخره از طرف حاجی حسین آقا تلگرافی شده، در نتیجه بحمدالله به مسالمت گذشته است. اداره قشونی سابق موضوع ندارد، به کلی منحل و تمام مبدل به ژاندارم شده است و در همه جا ژاندارم قراول و مستحفظ شهر است، جاسوسین ژاندارم‌ری در همه جا مواظب هستند، کلیه قورخانه و توپخانه را به بیرون شهر در ساختمان‌های انگلیسیها انتقال داده و در تصرف ژاندارم‌ری است. خود کلنل و اتباعش هم در آنجا متوقف هستند، کلیه طبقات مردم از آتیه وضعیت حاضر خراسان متوحش و مضطربند و اغلب متفدین درصدد عزیمت از مشهد هستند. دیگر تازه قابل عرض نیست. ۱۴ جوزا مترجم‌الملک

## [ ۲۴ ]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول شب ۱۵ جوزا [ ۱۳۰۰ ]

از مشهد به تهران

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمه

آقای مترجم‌الملک به جرم وظیفه‌شناسی و انتشار تلگرافات مبارک بدون اطلاع آقای کلنل بدو در تلگرافخانه با حضور آقای کارگزار مورد توهین و تخفیف واقع شدند. سپس به امر ایشان دو روز و یک شب در سربازخانه ژاندارمری واقعه در خارج شهر و بیست چهار ساعت هم در منزل شخصی خودشان توقیف بوده‌اند. اینک که مستخلص شده و بایستی در سر خدمت خود حاضر شوند، استدعا دارم توهینات وارده به مشارالیه را به هر نحو مقتضی می‌دانند جبران فرمایند که موجب امیدواری ایشان و مزید تشکرات فدوی خواهد بود. ۱۴ جوزا نمره ۵۷۵۸ نجدالسلطنه

[ ۳۰۳۷۶ - ن ]

## [ ۲۵ ]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول ۱۵ جوزا [ ۱۳۰۰ ]

از مشهد به ط [هران]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمه

بعد از زیارت تلگرافات مبارک چون اوضاع را خوب ندیده ماده مستعد تولید فتنه و فساد بود جواب استتکاف از قبول خدمت عرض شد، معهداً طرف مطمئن نشده، یک ساعت قبل از ظهر سه شنبه / ۲۳ فدوی را حلب و در شهرنو توقیف کردند. به تصور این که شاید طرفیت نمایم مستمسک به دستشان بیاید مقاصد خود را حاصل نمایند. فدوی هم به ملاحظاتی عذیده از وقوع قضایای ناگوار و مفسد صعب اصلاح، تسلیم محض شد. ده نفر ژاندارم هم درب اندرون گذاشته، از آمد و شد جداً ممانعت کرده درشکه و اسب‌ها را بردند. یک ساعت بعد از آن سالارمظفر و سالارحشمت را که چند روز قبل مستخلص کرده بودند دستگیر کرده، با آقامیرزا قاسم خان و شوکت‌الدوله و هژبرالملک که در شهر متوقف بودند به شهرنو آوردند. سه ساعت از شب چهارشنبه / ۲۴ گذشته سالارمظفر [و] سالارحشمت و آقامیرزا قاسم خان را با کالسکه پستی و ژاندارم اعزام به تهران کردند. تلگرافخانه و پستخانه هم بسته شد. روز چهارشنبه یک ساعت قبل از ظهر آقای کلنل محمدتقی خان نزد فدوی آمده بیاناتی نمودند که من همیشه مطیع اوامر

دولت بوده و خواهم بود ولی در این موقع به واسطه سابقه اقدامات و عملیات صادره از من که آن هم به دستور و حکم رئیس وقت بود از سخط و غضب حضرت اشرف خانف هستم و تلگراف استنکاف جوایه شما را هم ندیده بودم، حالا خودم آمده معذرت می‌خواهم. فوری سوار شده، به منزل آمده از اندرون هم بیرون نرفتم. معلوم شد با آقای وزیر دربار مخابرات حضوری داشته، شب پنجشنبه / ۲۵ از علماء و اشراف و رؤسای ادارات و تجار دعوتی در ارگ نموده پس از مذاکرات زیاد، ده نفر انتخاب کرده [و] به تلگرافخانه فرستاده، عریضه تلگرافی در ابقاء کلنل توسط آقای وزیر دربار به خاکپای مقدس ملوکانه ارواحنا فداه معروض داشتند که البته خاطر مبارک کما هو حقّه مسبوق و مستحضر است. شب جمعه / ۲۶ چهار ساعت از شب گذشته تلفن کرد که زحمت کشیده به ارگ بیایید. عذر آوردم، اصرار کرد، رفتیم، معلوم شد تلگرافات آقای وزیر دربار حرارتش را فرونشانده، متقاعد گردیده، تلگراف قبول خدمت از فدوی تقاضا نمود. با این که شرف پنجاه ساله فدوی هدر رفته و جبران‌ناپذیر است، محض اطاعت امر حضرت اشرف و جلوگیری از مفاسد حتمی [۱] وقوع و حصول آسایش عمومی، قبول خدمت نمود، تا فتوت و بزرگواری حضرت اشرف چگونه تلافی و تدارک نماید. حاصل، اولاً حسب الامر متوقفین شهرنو و ارگ را از شهری و آقایان آستانه سوای خداویردی و همراهان و اشرار در جز مستخلص و آزاد نموده، ثانیاً به حکام نیشابور و سبزوار تلگراف شد، سالارمظفر و آقامیرزا قاسم خان را محترماً آزادانه معاودت به مشهد دهند. سالارحشمت در معاودت به مشهد و عزیمت تهران مختار خواهد بود. پس از ورود آقای میرزا قاسم خان و اجرای اوامر مقدسه ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه و حضرت اشرف اشتغال دارند. برای ولایات قوچان، درجز، تربت، ترشیز و سرخس هم لازم است حکام صحیح عمل انتخاب و اعزام شوند که حکومت نظامی منحل گردد. در موضوع آستان قدس با تصمیمات به مطالعه رئیس سابق دولت و عملیات حکومت نظامی و اغراض تولیت و ملغنی\* کردن اجارات و غیره و غیره و انتخاب کمیسیون‌های بی‌اطلاع بی‌بصیرت و تشکیل جدید که پنج کشیک را به یک کشیک قرار دهند که اجرا و پیشرفت آن از ممتنعات و محالات است. حالا که آقایان مستخلص شده‌اند، با سابقه اطلاعات که خاطر مبارک کاملاً به جزئیاتش مسبوق و مستحضر است چنانچه اقدام عاجلی در اصلاحات صحیحه نشود تولید همه قسم فتنه و فساد متصور است. مستدعی است مفتاح رمز جدیدی با پست ارسال شود، به مفتاح سابق نمی‌توان اطمینان حاصل کرد. نمره ۵۷۶۳ فدوی نجدالسلطنه

[۳۰۳۹۰ و ۳۰۳۸۹ و ۳۰۳۸۸ و ۳۰۳۸۷-ن]

\* در متن «ملغاء» آمده است.

ریاست وزر  
 ۳۴۹  
 ۲۱ جوزا ۱۳۰۰  
 کفالت ایالت خراسان  
 جواب نمرة ۶ شرحی که راجع به تلگراف سالار مظفر و عدم اطمینان کلنل رمزاً  
 اظهار داشته‌اید ملاحظه شد. از تلگراف سالار مظفر به کلی بی‌خبر بودم و این کار بدون  
 تصویب و اطلاع من شده است. تصور می‌کنم شاید محمد هاشم میرزا و هم‌دستان او این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 سند شماره ۲۶  
 رتال جامع ۲۶ | انسانی

ریاست وزراء  
 ۲۱ جوزا ۱۳۰۰  
 نمرة ۳۴۹

کفالت ایالت خراسان

جواب نمرة ۶ شرحی که راجع به تلگراف سالار مظفر و عدم اطمینان کلنل رمزاً  
 اظهار داشته‌اید ملاحظه شد. از تلگراف سالار مظفر به کلی بی‌خبر بودم و این کار بدون  
 تصویب و اطلاع من شده است. تصور می‌کنم شاید محمد هاشم میرزا و هم‌دستان او این

کار را بدون اطلاع من کرده باشند. البته توقیف تلگراف لازم بوده است و بهتر است ابلاغ نشود، اما این که می‌گویید کلنل از من خائف است تعجب دارم. با اطمینانی که داده‌ام چرا باید نگران باشد. جناب عالی به هر وسیله که مؤثر می‌دانید او را امیدوار و دلگرم نمایید و از طرف من قول و اطمینان بدهید که چون او را مأمور و معذور می‌دانسته‌ام هیچ وقت خیال انتقام نداشته و نخواهم داشت بلکه هم قسم محبت و مهربانی نسبت به کلنل خواهم کرد. در این صورت اگر میل دارد در خراسان باشد هر نوع تقویت و همراهی و محبت و اطمینان از من بخواهد دریغ نخواهم کرد و در پیشرفت کار او تقویت و مساعدت خواهم نمود. اگر تغییر محل مأموریت را تقاضا نماید آن هم ممکن است. هر جا را خودش انتخاب می‌کند تصویب و اقدام خواهم نمود. معیناً اگر از من مطمئن نمی‌شود و به هیچ وجه رفع نگرانی از او نخواهد شد، برای مسافرت فرنگ و مساعدت مالی نسبت به مشارالیه نیز مضایقه نمی‌کنم اما تأسف دارم مثل کلنل شخصی که با من مدتی بستگی و اختصاص داشته است چرا باید به قول و تعهد من اطمینان نکند زیرا البته بر من ناگوار خواهد بود که به بی‌ثباتی و نقض قول منسوب باشم. البته کلنل را ملاقات و در این فقرات مذاکره نموده به هر یک از ترتیبات فوق که میل داشته باشد او را از طرف من مطمئن و متقاعد کنید. در موضوع حکومت ترشیز و تربت و خواف نظریات جناب عالی را تصدیق دارم. در باب مأمور تلگرافخانه نیز اقدام می‌شود لکن فرستادن مآزر عبدالله خان فعلاً مقدور نیست و وجود مشارالیه در اینجا لازم‌تر است.

[۲۶۲ و ۲۶۱ - ۱۰۴]

[۲۷]

### نامه اقبال التولیه به قوام السلطنه در مورد اوضاع خراسان

قربان آستان مبارکت شوم، در چند پست قبل به وسیله عریضه خاطر مقدس را متذکر به چاکری و بندگی خود نموده‌ام، امیدوارم وجود مسعود مبارک در نهایت سلامت باشد. فدوی هم با نعمت سلامت به دعای ذات مقدس بندگان حضرت اشرف مشغولم. آقای حاج مقبل السلطنه عرض بندگی و فدویت تقدیم حضور انور می‌دارند، در میان وقایع اخیر مشهد هیچ کدام به اندازه حرکت و فرار آقای حاج ظهیر الاسلام مضحک نبود. برای اطلاع خاطر مبارک ذیلاً به عرض مبارک می‌رساند:

بعد از اینکه در شهر انتشار یافت که بندگان حضرت اشرف به سمت ریاست وزراء عظام تعیین و قبول فرموده‌اید و چند فقره تلگراف متحدالمال هم نزد بعضی از آقایان



علماء یافت شد. غفلتاً از طرف آقای کلنل محمدتقی خان، آقای نجدالسلطنه و آقای سالارحشمت و سالارمظفر و مترجم‌الملک رئیس تلگراف (به جرم افشای تلگراف مبارک) توقیف شدند و توسط ژاندارم تلگرافات عفاً از علما و آقایان مسترد شد. آقای حاج ظهیرالاسلام به اغوای کلنل انتشار دادند که در تهران جنگ بین قزاق‌خانه و فرح‌آباد یعنی بین اعلی حضرت اقدس شهرباری و ولایت عهد درگرفته و سردار سپه با بیست هزار قزاق بر له ولایت عهد مشغول جنگ می‌باشد. و در ظرف دو روز ولایت عهد به سلطنت منصوب و سیاست از اول سخت‌تر و مشکل‌تر خواهد شد. متعاقب این مزخرفات فردای آن روز در قونسولگری انگلیس مجلسی از ظهیرالاسلام، مسیو دیوا، کلنل پریدکس، کلنل محمدتقی خان و ماژور رئیس نظمیه تشکیل یافت. و در آن مجلس آقای کلنل محمدتقی خان پیشنهاد کردند که خوب است با وضعیت حاضر خراسان را استقلال بدهیم، تمام آقایان اظهار موافقت کردند، فقط رئیس نظمیه اظهار داشت که من نوکر و مطیع دولتم نه شخص. در عقبه این مخالفت رئیس نظمیه، فردا تمام آژان و نظمیه از طرف ژاندارم خلع سلاح شد. مردم تمام متزلزل و انتظار واقعات سوء داشتند و به علاوه تمام محبوسین را به شهرنو انتقال دادند این فقره بیشتر اسباب وحشت در میان عموم گردید. تلگراف‌خانه هم در تصرف کلنل و مخابرات به کل ممنوع و اجزاء تلگراف‌خانه را به کلی خارج نمودند فقط یک نفر ژاندارم از طرف ایشان مشغول رد و بدل تلگرافات شخصی ایشان بود. مراسلات پستی را هم سانسور می‌نمودند. بالاخره بعد از آنکه به کاردانی و تدبیر صائب بندگان حضرت اشرف این غائله رفع و کفالت را آقای نجدالسلطنه عهده‌دار و تمام محبوسین مرخص شدند آقای حاج ظهیرالاسلام به کلی از منزل خارج نمی‌شدند. از یک طرف قضیه عکس کاغذ هم در شهر انتشار یافت و کسب اهمیت نمود تا اینکه تلگراف احضار ایشان رسید و محرمانه قرار گذارده بودند همان شب به اتفاق آقا شیخ علی حرکت نمایند. بعضی از آقایان مسبوق شدند من جمله آقای حاج مقبل‌السلطنه عریضه به عدلیه دادند که مبلغ نه هزار تومان از آقای حاج ظهیرالاسلام طلب دارم، از عدلیه هم شرحی به آقای کفیل مبنی بر لزوم توقیف ایشان نوشته شد، آقای کفیل هم شرحی به خود آقای حاج ظهیرالاسلام نوشتند که نباید حرکت فرمایید. و به شاهزاده معاون نظمیه هم دستور دادند که از حرکت آقا جلوگیری نمایند. آقایان آستانه هم به هیئت اجماع به منزل آقای نجدالسلطنه رفتند که باید آقا حرکت نمایند، ایشان هم قول دادند که سپرده‌ام حرکت نخواهند کرد. ساعت ۵ از شب از طرف آقای کلنل ۶ نفر ژاندارم مسلح فرستادند که با درشکه آقا حرکت نمایند، آقا هم در درشکه شخصی بدون چراغ حرکت نمودند. و ژاندارم هم در اطراف درشکه بود. از

نظمیه به آژانهای خط راه الی دروازه ارگ دستور داده بودند که مانع از حرکت آقا باشند در قریب بازارچه سراب از طرف آژان امر به ایستادن درشکه‌ای که به علاوه بدون چراغ بود شد، آقایان نایستادند. بالاخره یک تیر تفنگ از طرف آژان خالی شد یک تیر هم ژاندارمهای مستحفظ آقا خارج کردند و به این ترتیب خارج از شهر شده و فرار کردند. نمی‌دانم این حرکت آقای کلنل را بر چه می‌شود حمل کرد، آقای نجدالسلطنه هم خیلی بیحالی به خرج دادند. اداره نظمیه هم خیلی سوءتدبیر اعمال نمودند. علی ایحال فردا شب هم آقا شیخ علی با کالسکه چپاری از عقب رفتند و در باغ وزیر بین راه نیشابور به ایشان رسیدند و به اتفاق حرکت نمودند. تمام ژاندارم و هر چه مهمات بوده در خارج شهر در شهرنو منزل کرده‌اند، خود آقای کلنل هم در باغ خونی خارج شهر منزل نموده‌اند حکومت نظامی در اطراف برقرار است و بیچاره مردم از هر جهت در مضیقه هستند، مخصوصاً اهالی بیچاره تربت که دیگر آه ندارند. به اسم و رسم متجاوز از بیست هزار تومان در همین مدت قلیل به عنوان اعانه از تربت دریافت داشته‌اند. عموم ایرانیان و مخصوصاً خراسانیان که بسته بندگان حضرت اشرف می‌باشند. امیدوارند که در سایه رأفت بندگان حضرت اشرف اصلاح حال عموم بشود. برای شخص فدوی که هیچ چیز در دنیا به اندازه سلامت و عزت ذات مقدس مهم و مطلوب نیست یقین دارم قلب مبارک خود حضرت اشرف بهترین گواه عرایض چاکر است. امیدوارم خداوند روز به روز بنده را لایق بندگی حضرت اشرف نماید. خیلی میل دارم که اگر قابل باشم مقرر نمایند تهران شرفیاب شده و در ظل تربیت و مرحمت حضرت اشرف مشغول خدمتگذاری باشم خدا می‌داند غیر از این آرزویی ندارم. امیدوارم هیچ وقت از نظر مرحمت حضرت اشرف خارج نشوم. چاکر و فدوی حقیقی اقبال‌التولیه

یک نسخه از ابلاغیه که آقای حاج ظهیرالاسلام موقع حرکت انتشار داد [لفاً ارسال می‌شود] که خاطر مبارک مستحضر باشد.

[پشت پاکت: طهران

آستان مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء دامت عظمته مشرف شود. ۸ شهر شوال / ۱۳۹۰ [۱۳]، سفارشی است دو قبضه عرض‌کننده: اقبال‌التولیه مشهد

[در حاشیه پاسخ قوام‌السلطنه: کاغذ سابق هم رسید خیلی مسرور شدم از مراتبی که اظهار داشته‌اید مسبوق شدم. البته همه وقت از حالات خودتان اطلاع بدهید، مخصوصاً به آقایان حاج مقبل‌السلطنه و مصدق‌السلطان هم از طرف من سلام برسانید.

[۲۸]

ریاست وزراء

۳۰ برج سرطان ۱۳۳۹ [ق]

آقای اقبال التولیه؛

مشروحہ شما واصل گردید. کاغذ سابق ہم رسید خیلی مسرور شدم از مراتبی کہ اظهار داشته‌اید مسبوق شدم. البتہ ہمہ وقت از حالات خودتان اطلاع بدهید، مخصوصاً بہ آقایان حاج مقبل السلطنہ\* و مصدق السلطان\*\* ہم از طرف من سلام برسانید. [در حاشیہ:] یادداشتی کہ روی پاکت می‌شود، خلاصہ و موضوع جواب است نہ عین آن، خواهشمندم شرح مفصل تر و گرم تری نوشته شود.

[۶۵ - ۳/۱۲۰۸]

[۲۹]

سفارت انگلیس

قلہک

۵ میزان ۱۳۰۰

جناب اشرف ارفع

وضع خراسان و سبک تہدید آمیزی را کہ کلنل محمدتقی خان نسبت بہ قنصل جنرالگری انگلیس اتخاذ نموده‌اند بہ دولت اعلیٰ حضرت پادشاہ انگلستان اطلاع داده و اینک بر حسب دستور العمل دولت مشارالہا شرف دارم خاطر جناب اشرف را مستحضر سازم کہ دولت اعلیٰ حضرت پادشاہ انگلستان برای ہر مداخلہ‌ای کہ بہ یک قونسولگری انگلیس بشود دولت علیہ ایران را دارای مسئولیت می‌دانند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقہ را تجدید می‌نماید. نور من جناب مستطاب اشرف ارفع افخم آقای قوام السلطنہ رئیس الوزراء دامت شوکتہ العالی.

\* لقب ابوتراب خان پدر دکتر اقبال.

\*\* لقب غلامرضا خان پدر جهانگیر تفضلی. گفتنی است حاج مقبل السلطنہ و مصدق السلطان دوستی نزدیکی با یکدیگر داشتند بہ حدی کہ میان آن دو عقد برادری منعقد گردید. این دو در املاکی کہ در کاشمر داشتند شریک بودند و حتی یک قالی بہ حرم حضرت رضا (ع) ہدیہ کردہ بودند کہ در حاشیہ آن اسم دو برادر نوشته شدہ بود. مضافاً آنکہ دو مقبرہ متصل بہ یکدیگر بہ گوشہ شمال غربی صحن عتیق آستان قدس رضوی خریدہ بودند و اکنون ہر دو در مجاورت ہم مدفون می‌باشند. این دوستی بعدہا بہ فرزندان آنان نیز منتقل گردید. بہ این اعتبار فرزندان دو خانوادہ اقبال و تفضلی یکدیگر را پسرعمو و دخترعمو خطاب می‌کردند و می‌کنند.

سایت خبری  
۱۱ میزان ۱۳۰۰

British Legation,  
Culcutta,  
28th September, 1921.

Your Highness,

Under instructions from His Britannic Majesty's Government, to whom I had of course reported the situation in Eherassan and the threatening attitude adopted towards His Majesty's Consulate General by Colonel Mohammed Taqi Khan, I have the honour to inform Your Highness that His Majesty's Government will consider the responsibility of the Persian Government involved in any interference with a British Consulate.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my high consideration.

عزیز بزرگوار  
در وین یک خبر برآورد شد که در آنجا  
مردان خبری که از آنجا بیرون میروند  
اخباری را در باره جناب امیر خسرو که در آنجا  
بودند و در آنجا در آنجا در آنجا  
گفتند که در آنجا در آنجا  
مردان خبری که در آنجا  
بودند که در آنجا

۱۰۳۷۶

His Highness  
Qawam-us-Saltane,  
President of the Council of  
Ministers.

آقای امیر خسرو در آنجا

سند شماره ۲۹

[مهر مستطیل با سجع:] ورود به کابینه ریاست وزراء به تاریخ ۱۱ میزان ۱۳۰۰ نمره ۱۰۳۷۶

[سند به زبان انگلیسی است و ترجمه در مقابل آن آمده است.]

[ن-۳۱۲۱۹]

[۳۰]

## وزارت امور خارجه

نمره ۱۰۳۷۶

۱۱ میزان ۱۳۰۰

آقای شارژدافر

مراسله محترمه جناب مستطاب مستر نرمان مورخه ۵ میزان عز وصول داد و اینک جواباً به استحضار خاطر شریف می‌رساند که اولیای دولت فخریه انگلیس سابقه کامل دارند که مدتی است محمدتقی خان نسبت به دولت متبوعه خود تمرد و عصیان ورزیده و چنان که خاطر شریف مطلع است از طرف مأمورین دولت فخریه انگلیس نیز سابقاً در این باب وساطت دوستانه شده بود که دولت از بذل مساعدت نسبت به تقاضاهای مزبور دریغ ننمود. مع هذا محمدتقی خان در حال تمرد باقی مانده و البته اولیای دولت ایران به وسایل مقتضیه این غائله را مرتفع خواهند نمود. لیکن یقین است تصدیق می‌فرمایید مادام که مشارالیه به حال تمرد و طغیان باقی است دولت ایران نمی‌تواند مسؤولیت اعمال او را برعهده بگیرد. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

جناب جلالت‌مآب مستر بریجمن شارژدافر دولت فخریه انگلیس دام اقباله [در حاشیه:] در هیأت وزرا قرائت و به اتفاق آرا تصویب شد. [امضاء:] قوام [ریاست وزرا و وزیر داخله]، عمیدالسلطنه [وزیر عدلیه]، رضا [وزیر جنگ]، امیراعلم [وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه]، شهاب‌الدوله [وزیر پست و تلگراف]، اسدالله مشارالسلطنه [وزیر عدلیه]

[۳۱۲۱۸-ن]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی [۳۱]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول ۱۲ میزان [۱۳۰۰]

از مشهد به ط [هران]

توسط ریاست محترم اداره ژاندارمی دولتی مقام منبع ریاست‌الوزراء عظام دامت عظمته به موجب راپورت واصله در نتیجه جنگ جعفرآباد با اکراد، آقای کلنل محمدتقی خان رئیس ژاندارمری و کفیل ایالت خراسان ناپیدا [گردیده] چنانچه این اکرادی که عجالتاً در شرف حمله به شهر هستند حمله خود را مداومت دهند، گذشته از این که معادل چند میلیون فشنگ و چند هزار تفنگ و توپ دولتی به دست آنها خواهد افتاد.

افلاً هزار نفر کشته خواهند شد و نوامیس و اموال مردم از بین خواهد رفت. دیگر ژاندارمری خراسان مطیع است و این سرباز امنیت خراسان را عهده‌دار خواهیم بود تا ایالت و رئیس ژاندارمری از طرف دولت تعیین گردد. بیش از این جری شدن ایلات نسبت به قوای نظامی صلاح‌آمیز نیست. منتظر دستور است. چنانچه صلاح دانند مقرر فرمایند آنچه مونسین و تجهیزاتی که به غارت و غنیمت برده‌اند خود آقای سردار معزز از آنها اخذ نموده و به وجه دیگری طرف مرحمت واقع شوند. کفیل امور خراسان محمود نوذری

[۸ - ۲۰۴۱۷ - ن]

### [۳۲]

#### اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به باغ

مقام منبع حضرت ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

پس از عرض فدویت و جان‌نثاری نسبت به دولت و مملکت معروض می‌دارد چنانچه به هر یک از لیدرها و رؤسای ملیون رجوع فرمائید درجات فداکاری و وطن‌پرستی و صداقت بنده را به عرض خواهند رسانید و اگر به دوسیه وزارت داخله رجوع فرمائید از عملیات صفحات خطه خراسان و سایر نقاط مستحضر خواهند شد. فقط به دشمنی داخلی مختص دوسیه بدی یک نفر که خودش معروف به خیانت است مازور اکرم نظام برای بنده در ژاندارمری تهیه کرده‌اند. حال به واسطه اهمیت موقع از معرفی خود می‌گذرد، لازم است ابتدا کلیه قضایای خراسان و جلوگیری از تفرقه مونسین و سلب امنیت عمومی و حفظ منافع دولت به عرض برساند. الساعه ژاندارم‌ها دارند از قضیه قتل مرحوم کلنل محمدتقی خان به تدریج مسبوق می‌شوند و بنده دیشب صلاح ندانستم برای این که منتشر نشود صراحتاً به عرض برسانم. تفصیل واقعه آن است که قریب دوپست نفر سوار بجنوردی وارد و با قریب سیصد نفر سوار قوچانی که قبلاً در قوچان و با ژاندارم‌ها جنگ کرده و آنها را متلاشی کرده بودند مع شده، خود مرحوم کلنل با یک قوه کمی به طرف جعفرآباد رفته در آنجا از صبح تا غروب مشغول جنگ بود، محاصره و چون شخصاً با مترالیوز کار می‌کرده‌اند، مقتول و سر ایشان را اکراد جدا کرده و به قوچان برده‌اند. ژاندارم‌ها کلیه متفرق، مقتول و مجروح شده‌اند. آنچه تا به حال از قوچان، قوای ژاندارمری محو شده است قریب هفتصد نفر به تدریج در شیروان، اسفراین، باجگیر، قوچان، درجز، جعفرآباد می‌باشد. قوایی که عجالاً در شهر مشهد و

اطراف است متجاوز از هزار و پانصد نفر و اردوهای سبزوار و جام، تربت، خواف تماماً به طرف مشهد احضار شده بودند در راه هستند. امر داده سر پست‌های خود باقی باشند و موقع گذشته بود. عده قوچان به موجب راپورت در حدود قوچان هستند ولی از بی‌راه گویا عده متوجه شهر شده‌اند. حالیه چنانچه چاکر را صادق و خدمتگزار مملکت می‌دانید برای آسایش حال عامه و رفع همه نوع محظورات مستدعیات مرا قبول فرمائید و الا حاضر هستم به شخصه حرکت به تهران کرده و سلب هر مسئولیت را از نقطه نظر لشکری و کشوری از خود نمایم.

فدوی محمود نوذری

[۳ و ۲ و ۳۰۴۶۱-ن]

### [۳۳]

#### اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد

حضور، مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

اینک که از طرف حضرت اشرف و دولت طرف توجه و اعتماد واقع شده و مسائلی را که اجرای فوری آن موجب آسایش و امنیت خراسان است به عرض رسانده و استدعای قبول آن را بر حسب وظیفه وطن پرستی و برای جلوگیری از هرگونه اتفاقاتی جداً آرزو دارد و امید است طرف توجه واقع شود: (۱) به عموم مستخدمین و افراد لشگری و کشوری و سایر طبقات که در عملیات خراسان شرکت داشته‌اند تأمین مرحمت شود. (۲) مقرر شود نعش و سر مرحوم کلنل را به فرستاده حضرت آیت‌الله‌زاده تحویل دهند و به معظم له امر شود شخص مخصوص [ای] برای آوردن جنازه آن مرحوم به قوچان اعزام دارند. (۳) به فوریت ایالت صالح از تهران تعیین و معجلاً اعزام شود. (۴) اجازه فرمایند جنازه آن مرحوم را به احترام دفن و عزاداری شود. (۵) اجازه مرحمت شود بر حسب مصالح دولت کلیه درجات را که آن مرحوم داده و قوای خراسان را متحدالشکل کرده‌اند، چاکر پیشنهاد کرده قبول فرمایند و قول شرفی و نظامی می‌دهم که اشخاص نالایق را پیشنهاد نمایم. (۶) رؤسای دوایر دولتی به جای خود ابقا بوده و چنانچه پس از این نسبت به دربار خیانت بنمایند معزول و منکوب شوند و اشخاصی که متکی به اجانب شده‌اند مورد مراجع دولت واقع نشوند که سوء اثرات خواهد داشت. (۷) خانه‌های صاحب‌منصبان و منسوبین آنها را که در قوچان غارت کرده‌اند اموالشان را مسترد و زن‌های بی‌گناه را به مشهد اعزام دارند. (۸) اجازه مرحمت شود ژاندارم‌های

نالایق و اشخاصی را که بیم آن می‌رود اسلحه دولت را برداشته فرار نمایند و یا این که بعدها اقدامات که بر علیه دولت است نمایند خلع سلاح و اخراج نمایم. (۹) در استرداد تجهیزات و سلاح غارت شده حکم صادر فرمایند که در آتیه اسباب زحمت نشده و برای پس گرفتن آنها دولت در آتیه دچار زحمت نشده و مجبور به اعزام قوه و خونریزی نشود. (۱۰) خود چاکر را چنانچه لایق خدمت دانند، ژاندارمری خراسان را عهده‌دار بوده و الّا به تهران حرکت نموده، چندی در مرخصی باشم که ایرانی هستم و جز ایرانی و ایران پناهگاه دیگری ندارم. (۱۱) سلطان سیدعزیزالله‌خان با سی و شش نفر پس از جنگ مدهش\* از باجگیر به بی‌راهه از ناچاری، [به] روسیه رفته و عموم اهالی و خوانین قوچان از مشارّالیه راضی هستند مقرر فرمایند اسلحه مشارّالیه را مسترد، به محل مأموریت خود عودت دهند. سرباز ایران محمود نوذری

[۴۲ و ۴۱ و ۳۱۲۴۰ ن]

[۳۴]

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

مشهد

آقای ماژور محمودخان، تلگراف مفصل حضوری شما ملاحظه و از مطالب اطلاع حاصل کرده جواب آنها ذیلأ داده می‌شود.

(۱) به عموم مستخدمین لشکری و کشوری و سایر طبقات که در وقایع اخیر خراسان شرکت داشته‌اند تأمین داده می‌شود. (۲) جنازه کلنل محمدتقی خان عجاتا در قوچان امانت گذاشته شده، بعد از چندی به مشهد حمل شود. (۳) در تعیین و اعزام ایالت به فوریت اقدام خواهد شد. (۴) در باب درجات نظامی پیشنهادهای خودتان را به وزارت جلیله جنگ بنمایید. مطابق نظریات آن وزارت‌خانه مساعدت خواهد شد. (۵) رؤسای دوایر دولتی مشمول عفو دولت هستند ولی ابقای آنها در خدمات مرجوعه منوط به نظریات وزارتخانه‌های متبوعه آنها است در صورتی که موافق تنظیمات اداری تبدیل خدمت یا احضار آنها ضرورت داشته باشد البته باید تابع مقررات اداری باشند. آقای معتصم‌السلطنه از مصونیت وکالت بهره‌مند می‌شوند چنانچه مایل باشند می‌توانند فوری عزیمت تهران نمایند یا به خارجه مسافرت کنند. مسیو دوبوا از خدمت مفصل

\* در متن «مدحش» آمده است.



است و باید فوری روانه تهران شود. راجع به اشخاصی که متکی به اجانب شده‌اند توضیحات داده و اسامی آنها را معین ننماید. (۶) درباب اموال غارتی صاحب‌منصبان در قوچان باید تا ورود ایالت خراسان تأمل شود. البته بعد از تحقیقات از هر مساعدتی که برای استرداد اموال مقدور باشد دریغ نخواهد شد. زندهای آنها را فوری حکم می‌شود به مشهد روانه نمایند. (۷) راجع به ژاندارمهای نالایق و اشخاصی که ممکن است اسلحه را برداشته فرار نمایند معلوم کنید ژاندارمها جدید یا قدیم و از چه عناصر و از کدام محل هستند تا با اطلاع وزارت جلیله جنگ دستور داده شود. (۸) در استرداد اسلحه غارت شده قبل از وصول تلگراف شما به طوری که پیشنهاد نموده‌اید حکم صادر شده است. (۹) خود شما به طوری که در تلگراف سابق نوشته بودم متکفل امور خواهید بود تا رئیس جدید اعزام شود. بعد از ورود رئیس جدید برای مرخصی یا قبول خدمت دیگر مختار خواهید بود. (۱۰) راجع به سلطان سیدعزیزالله‌خان به طوری که تقاضا نموده‌اید تلگراف می‌شود در صورتی که از رفتار او راضی بوده‌اند به قوچان عودت کرده اسلحه او را مسترد دارید.

در تلگراف دیگر راجع به حکومت قوچان برای شاهزاده رکن اعظم اظهار داشته بودید. نظر به وضعیات فعلی قوچان انتصاب ایشان مصلحت نیست و تا ورود ایالت نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود.

[۴ و ۳ و ۳۰۴۴۲-ن]

[۳۵]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران  
از مشهد به ط [هران] پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تاریخ وصول ۱۴ میزان [۱۳۰۰]  
فوری

مقام منبع ریاست‌الوزراء عظام دامت عظمته

نظر به اهمیت موقع مستدعی است امر اکید صادر شود به فوریت آقای امیر شوکت‌الملک برای کفالت موقتی ایالت خراسان تا ورود والی جدید به مشهد حرکت نمایند. از ایشان صالح‌تر، لایق‌تر، بی‌غرض‌تر و دسترس‌تری موجود نیست. امید است انجام درخواست فوق ساعتی به تأخیر نیفتد [تا] موجب خوشنودی عموم شده و جلوگیری از بعضی آرزوها خواهد کرد. نمره ۲۳ فدوی نودری

[۳۰۴۰۷-ن]

[۳۶]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از بیرجند به ط [هران]  
تاریخ وصول ۱۷ میزان [۱۳۰۰]  
فوری

مقام منبع بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء روحی فداه  
معتم السلطنه ظاهراً از مشهد به طرف شهر قاین آمد. استدعا می نماید امر فرمایند  
چاکر را مستحضر دارند عفو عمومی شامل حال این قبیل موذیان بی جهت هم هست یا  
مخصوصاً<sup>۲۷</sup> صاحب منصبان و افراد زاندارم است. ۱۴ میزان نمره ۲۰۶۴ چاکر  
محمدابراهیم

[۳/۱۲۱۷-۳۰]

[۳۷]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از بیرجند به ط [هران]  
تاریخ وصول ۱۷ میزان [۱۳۰۰]

مقام منبع بندگان حضرت اشرف ارفع آقای رئیس الوزراء روحی فداه  
در تعقیب [تلگراف] نمره ۲۰۶۴ جسارت می ورزد چاکر دستور به نایب حکومت شهر  
قاین برای توقیف داد. امروز راپورت رسید که به شهر قاین وارد شده و پایش در راه  
شکسته، او را دارند به بیرجند می آورند. چاکر موکول به امر حضرت اشرف نمود محض  
استحضار خاطر مبارک جسارت ورزید. ۱۵ میزان نمره ۲۰۸۸، چاکر محمدابراهیم.  
[سجع مهر مستطیل:] ورود به کابینه ریاست وزراء، به تاریخ ۱۸ میزان ۱۳۰۰،  
نمره، ۱۰۷۵۵

[در حاشیه:] سابقه فوری

[۳/۱۲۱۷-۲۹]

۲۷. در متن مخصوصاً آمده است.

## [ ۳۸ ]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۰۷۵۵

۱۷ میزان [ ۱۳۰۰ ]

فوری

بیرجند، جناب مستطاب اجل آقای شوکت‌الملک حکمران سیستان و قاینات زیده اقباله  
تلگرافات نمره (۲۰۶۴) و (۲۰۸۸) واصل [شد]. لازم است معتصم‌السلطنه در  
بیرجند بماند و از حرکت ایشان جلوگیری نمایید تا دستور ثانوی داده شود.  
ریاست محترم مجلس شورای ملی دام اقباله؛

معتصم‌السلطنه که به موجب مدارک صحیحه در وقایع خراسان با متمردين شرکت  
تام داشته است فراراً به قاینات رفته، به حکومت قاینات تلگراف شد مشارًالیه در  
بیرجند توقف نماید تا مراتب به استحضار مجلس شورای ملی برسد عقیده دولت  
نسبت به مشارًالیه این است که مجلس شورای ملی تصویب نمایند که مشارًالیه برای  
رسیدگی و محاکمه در تحت مراقبت مأمورین مجلس روانه تهران شود.  
[در حاشیه:] این نمره مکرر است، تلگراف به تلگرافخانه فرستاده شد.

[ ۳۸۱۲۱۷.۲۸ ]

## [ ۳۹ ]

مجلس شورای ملی

مورخه شب ۱۹ برج میزان [تخاقوی] نیل ۱۳۰۰

نمره ۱۶۶۹

ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتهم

در جواب مرقومه محترمه راجع به آقای معتصم‌السلطنه محض اطلاع خاطر شریف  
زحمت‌افزا می‌شوم که در جلسه ۱۸ میزان ۱۳۰۰ مجلس شورای ملی از قرار ذیل رأی  
داد.

مجلس شورای ملی تصویب می‌کند که آقای معتصم‌السلطنه را در تحت مراقبت  
مأمورین دولت به تهران بیاورند. راجع به تعقیباتی که پس از ورود به تهران لازم شود در  
ثانی از طرف دولت مراجعه به مجلس شورای ملی نموده و اجازه ثانوی خواسته خواهد  
شد. رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن‌الملک

[سجع مهر مستطیل:] ورود به کابینه ریاست وزراء، به تاریخ ۱۹ میزان ۱۳۰۰ نمره ۱۰۸۳۰

[ ۳۸۱۲۱۷.۲۷ ]

## [۴۰]

وزارت مالیه  
استخراج تلگراف رمز اداره مالیه سیستان

۲۷ برج میزان ۱۳۰۰  
نمره ۱۲۸ رمز

وزارت مالیه، برای عرض حضرت اشرف صدارت عظمی دامت شوکتہ معتصم السلطنه که در مشهد عامل قوی انقلاب بود فراراً وارد بیرجند، مهمان شوکت الملک شده است. با اوضاع اینجاها ماندن او عاقبت خوبی ندارد، ممکن است او را طرف کرمان ببرند. نمره ۲۵۳ مشاورالوزاره [در حاشیه پایین:] فوری است، به عرض رسید، ۲۷ میزان ۱۳۰۰ [۱]  
[در حاشیه پایین به خط دیگر:] به شوکت الملک رمز شود. از قرار اطلاعی که رسیده است معتصم السلطنه را وارد بیرجند نموده و در منزل جنابعالی است. در تحت محافظت مأمورین مخصوص، مشارالیه را روانه تهران نمایید. مأمورین را مسئولیت داده که او را سالمأ در تهران تحویل نمایند. [۳/۱۲۱۷.۲۰]

## [۴۱]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از بیرجند به ط [هران]

تاریخ وصول ۳۰ میزان [۱۳۰۰]

خانه معتصم السلطنه؛ حضور مبارکه حضرت علیه والده روحی فداه خودتان و حضرت علیه مورخ السلطنه اقدام کنید که حضرت اشرف رئیس الوزراء اجازه بدهند به تهران یا مشهد مراجعت\* کنم. چون عزت السلطنه سخت مریض است فوری اقدام کنید والا وضعیت ما خطرناک می شود، بجاگر معتصم السلطنه. [۳/۱۲۱۷.۱]

## [۴۲]

ریاست وزراء

به عرض برسانید؛

مرقومه محترمه متضمن تلگراف معتصم السلطنه شرف وصول داد. برای اطلاع خاطر محترم زحمت می دهد که مشارالیه چنانکه خودشان مایل هستند قرار شده است به تهران بیایند. ایام شوکت مستدام باد. [۳/۱۲۱۷.۲]

\* در متن «مراجعه» آمده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 ظهور الاسلام [ ۲۷۷۱-۴ ]

رتال جامع علوم انسانی [ ۴۳ ]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از بیرجند به ط [هران] تاریخ وصول ۳۰ میزان [ ۱۳۰۰ ]

حضور مبارک حضرت خداوندگار اعظم آقای حاجی ناصرالسلطنه روحی فداه؛  
 حضرت اشرف بنده را از فرزندی خارج و علاقه‌مند به حیات\* و ممات من نیستند.  
 دو روز است وارد بیرجند [شده] توقف ما در اینجا غیرممکن [است]، سینه‌ام مجروح و  
 خودم مریض [هستم]، استدعا دارم با ریاست وزراء مذاکره و فوری اقدام فرمایید که به

\* در متن «حیاء» آمده است.

تهران مراجعت\* کنیم والا در این زمستان و مرض من، مشکل است جان بدر بریم. منتظر جواب فوری است. عزت [السلطنه]

[ ۳/۱۲۱۷-۱۲ ]

[ ۴۴ ]

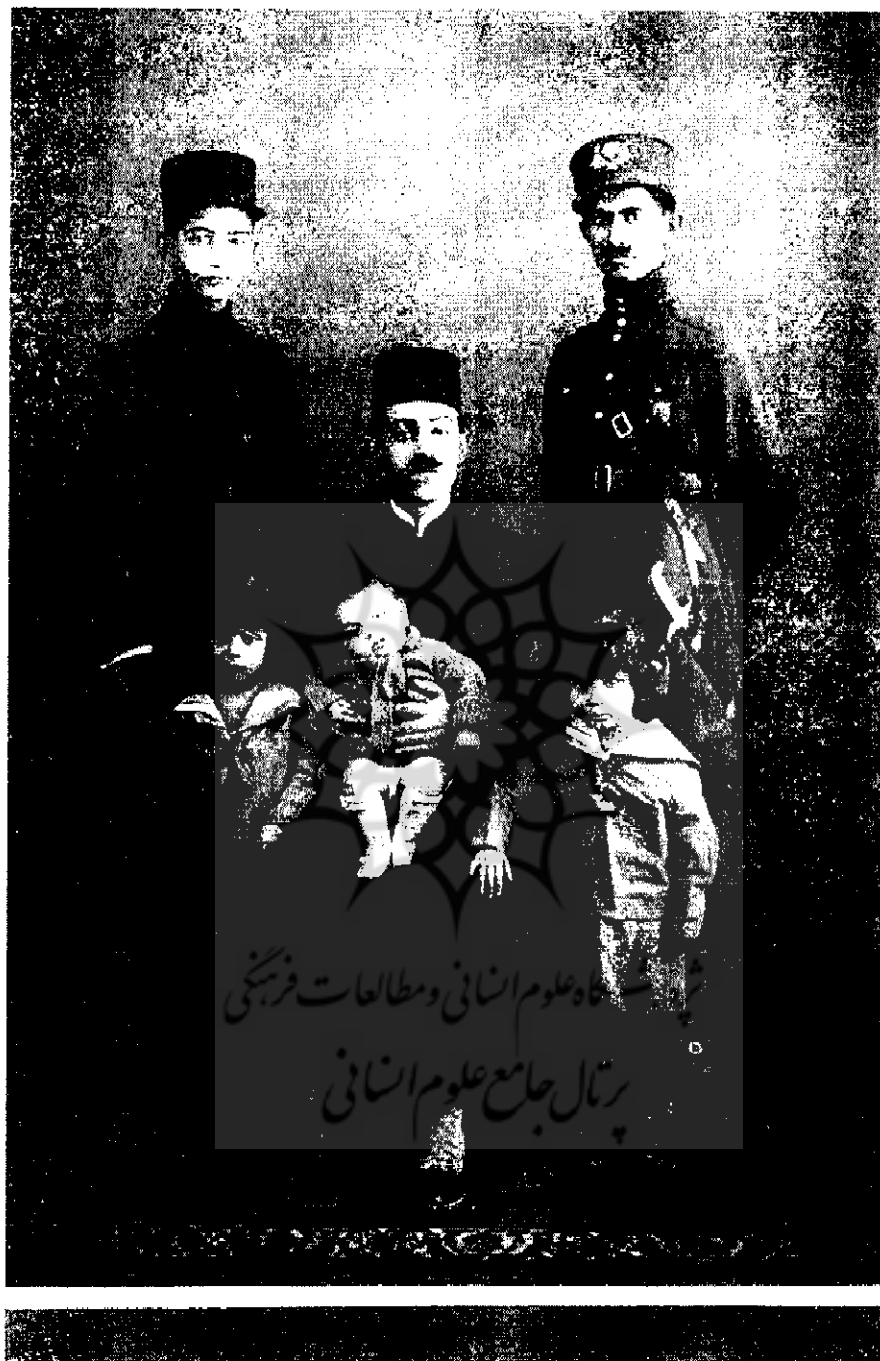
**[عریضه نصرالله طباطبایی به قوام السلطنه در مورد معتصم السلطنه و پاسخ قوام به او]**

هو

تصدقت شوم؛

اگر خاطر مبارک باشد روز اولی که برای عرض عرایض خود شرفیاب شدم به عرض رسانیدم که هر یک از عرایض من قابل توجه نشد و خواستید امر فرمایید همان دفعه اول جواب بدهید، متشکر خواهم بود. چون الآن دوازده سال است نالیده‌ام و کسی نپرسیده دردت چیست [؟] خلاصه محض امیدواری به قول حضرت اشرف عجالتاً باز خود را تسلیم مقدرات بانک عدلیه و مالیه نموده‌ام تا چه شود و چه پیش آید و مقدر چه باشد. امروز تلگرافی از صبیۀ بنده رسید که خیلی اسباب پریشانی خاطر شد. اولاً خدا شاهد است که بنده شناسایی به حال معتصم السلطنه نداشته و حالا هم ندارم. در ماه ربیع‌الاول چند نفر از محترمین فرستاد دختر مرا خواستگاری کرد، بنده هم ظاهر را دیدم که آدم معقول و یکی از مدیرهای وزارت خارجه است قبول نمودم. بعد در عهد سید ضیاء کارگزار خراسان شد و مخصوصاً بنده هم عریضه به حضور مبارک عرض نمودم که معتصم السلطنه مأمور آنجا شده دختر مرا هم همراه خود آورده چون دختر، بچه و پانزده سال بیش ندارد باید حضرت اشرف پدری فرموده به اهالی حرم مقرر دارید از حال او در غربت غفلت نفرمایند. بعد این اوضاع پیش آمد و در این مدت خودتان شاهد هستید که یک کلمه در باب این داماد عرضی یا توسطی ننمودم ولی حالا چون صبیۀ هم ناخوش و هم آبتن و هم معلوم می‌شود اینها در بیرجند محبوس هستند، مجبور برای حفظ اولاد جسارت می‌کنم اولاً من نمی‌دانم معتصم السلطنه در خط تروری بوده یا نه، اگرچه در این دوره چون اغلب وزراء و علما در خط افتاده‌اند و مردمان سالم و صحیح به کار نمی‌خورد این است همه می‌خواهند با شرارت دادن، کلی ترقی نمایند. این است عموم کلیه‌شان موذی شده ولی گویا بهتر باشد که او را بنخواهید اینجا محاکمه

\* در متن «مراجعة» آمده است.



مجموعه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مهدی فرخ معتمد السلطنه به اتفاق فرزندان و خانواده خود [ ۲۵-۱ ]

شود و برای اینکه مطمئن باشید جای دیگر فرار نخواهد کرد. بنده ضمانت کتبی هم می‌دهم. اگر فوری جواب را [یک کلمه ناخوانا] بدهید خیلی متشکرم. ایام شوکت مستدام باد. نصرالله طباطبایی

[پشت پاکت:] خدمت ذی شوکت حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء دامت شوکت مشرف شود.

[جواب قوام در حاشیه پشت پاکت:] جواب بنویسید معتمد السلطنه را گفته‌ام به تهران بفرستند باز هم تأکید می‌کنم [او را] زودتر روانه نماید. [۳۲ و ۱۰-۱۲۱۷/۳]

### [۴۵]

#### [توصیه‌نامه حاج میرزا یحیی خویی امام جمعه به قوام السلطنه

#### در مورد عفو معتمد السلطنه ]

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند؛ بعد از استعلام از سلامت مزاج شرافت امتزاج عالی مصادعت می‌نماید، اگرچه معتمد السلطنه بر حسب ظاهر مجرم و عاصی است لیکن به قول خیام «آن کس که گنه نکرده چون زیست بگویی» اگر او مقصر است مقام محترم حضرت اشرف عالی هم اقتضای عفو دارد که «العفو عن المجرم من مکارم الشیم». به مناسبت اینکه دو نفر از همشیره‌های ایشان متعلقه دو نفر از خوانین ماکو بوده و در آنجا هستند مناسبتی با خانواده دارند و والده سالخورده و پیر او با دو دختر علویه‌اش به گمان اینکه عرایض داعی در مقام منبع ریاست وزراء قدر و وزنی دارد، با عجز و الحاح و جزع متوسل شده و استدعای خودشان را به وسیله داعی به عرض می‌رسانند. استدعای آنها آن است، امر و مقدر فرمایند او را به تهران یا مشهد مقدس عودت دهند، گویا عیالش هم در آنجا مریضه است. تلگرافی خود او به والده‌اش کرده که لفاً ایفاد می‌شود [تا] از لحاظ محترم بگذرد، ارحم من رأس ماله الرجاء و شفعاثة النساء. و گویا حضرات از راه در حق او خیلی خائف هستند. اگر از طرف ذی شرف عالی اطمینانی به این زنها داده شود موجب دعاگویی آنها خواهد شد. زیاده ایام شوکت مستدام باد.

[مضمون جواب قوام السلطنه که مشروح آن در سند بعدی آورده شده در هامش این عریضه مکتوب است.]

[روی پاکت:] خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف عالی آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء دامت شوکت مشرف گردد.

[پشت پاکت مهر بیضی شکل با سجع: المتوکل علی الله عبده یحیی [۳۲ و ۱۰-۱۲۱۷/۳]





حاج میرزا یحیی خویی امام جمعه و ظفر السلطنه به اتفاق چند تن از تفنگچیان دولتی [ ۱۱۵۷-۸ ]

ژوئیه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
[ ۴۶ ]

ریاست وزراء

امام جمعه خویی

به عرض می‌رساند؛ رقیمه شریفه در موضوع معتصم السلطنه کارگذار سابق خراسان عز وصول بخشید، قدغن کرده‌ام مشارالیه را به مشهد آورده نسبت [به] عمل او تحقیقات لازمه به عمل آورده، راپرت بدهند. پس از وصول راپورت تکلیف مشارالیه را معین نموده به جناب مستطاب عالی هم اطلاع خواهم داد.

[ ۳:۱۲۱۷-۲۳ ]

[۴۷]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از بیرجند به ط [هران] تاریخ وصول ۸ عقرب [۱۳۰۰]

وزارت خارجه کپیه هیئت محترم وزراء عظام نمره  $\frac{۱۱۷۰}{۴۸۰}$  زیارت [شد]، از دولت حکمی زیارت نکرده‌ام که برخلاف آن رفتار کرده و متمرّد باشم. انفصال من از خدمت وزارت خارجه وقتی صحیح است که در محکمه اداری محاکمه و محکوم گردم. اگر هیئت معظم دولت مرا متمرّد تشخیص فرموده‌اند اجازه فرمایند به تهران آمده و پس از محاکمه و ثبوت برای هرگونه مجازات در مقابل اوامر دولت مطیع خواهم بود والا خود را مظلوم دانسته و امیدوارم از هیئت دولت برخلاف حق و انصاف امری صادر نشود. ۵ عقرب معتمد السلطنه

[سجع مهر مستطیل:] ورودبه کابینه ریاست وزراء، به تاریخ ۱۵ عقرب ۱۳۰۰ نمره ۱۲۲۶۵ [۳/۱۲۱۷۹]

[۴۸]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره تلگراف ۵۴۹ از مشهد به ط [هران] تاریخ وصول ۱۵ عقرب [۱۳۰۰]

قاضی زاده تهران، توسط جناب آقای دانش، مقام منبع بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء عظام دامت عظمتهم، در این موقع که امر مبارک به دستگیری و مجازات یک عده اشرار واقعی و قاتلین حقیقی چندین صد نفر برادران مظلوم ما صادر گردیده، تشکرات وافیه که عموم خراسان مدیون آن ذات اشرف است تقدیم نموده و برای تکمیل تشفی قلوب مجروح، احضار و مجازات شدید معتمد السلطنه و عالم الدوله را که یگانه عامل اصلی تیره روزی شش هفت ماهه خراسان هستند جداً خواستاریم. محمدتقی، فرخ، رضازاده، دبیر اعظم، علی آقا درودی، دستمالچی خراسانی، اسکندر زاده، معین زاده، طغرانیس محمود حسینی، حاجی سید عباس جواهری نساج، محمدرضا، ابوالقاسم حسینی، محمد کاظم جواهری، جواد حسینی مجلالتولیه، احتشام التولیه مهدی یزدی، رضا، غلامرضا حکاک مدیر دفتر، صدر حفاظ، ناظم دفتر محمد یزدی، محمد جعفر، حاج علی اکبر کشمیری، اسدالله تونی، حاج میرزا هدایت، حاج میرزا محمدعلی یزدی، حسن



صادق، حاج محمود، سید علی اکبر، غلامرضا، محمداسماعیل، ابراهیم، اسدالله، حاج محمد ابراهیم صدر الذاکرین، حاج محمد ابوالقاسم موسوی مشیر آستانه، انتخاب علماء محمد حسین، عبدالله رضوی، عباس عبدالعلی. این جانب صحت امضاهای فوق را ضمانت می‌نمایم. حاج سید عباس جواهری.

[در حاشیه:] فوری سواد به جراید داده شود. شب ۸/۲۰ جواب آقایان مقتضی است داده شود.

[ن.۳۰۸۷۷.۶]

[۴۹]

ریاست وزراء  
مشهد

جواب نمره ۵۴۹ تلگراف آقایان دایر به اظهار مسرت و شکرگزاری از اقدامات دولت در دستگیری و توقیف اشخاصی که برخلاف نظم و آسایش اهالی خراسان اقدام نموده‌اند واصل و از ابراز احساسات خیرخواهانه کمال مسرت حاصل گردید. بدیهی است اولیای دولت که همواره جز حفظ نظم و امنیت و آسایش قاطبه اهالی مملکت منظوری نداشته‌اند پیوسته از اعاده انتظامات و جلوگیری از هر نوع خلاف نظامی فروگذار ننموده، حتی المقدور رفاهیت و آسودگی عمومی را از دست نخواهند داد و از مجازات و تنبیه مقصرین فروگذار نمی‌نمایند. قوام

[ن.۳۰۸۷۵]

[۵۰]

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت قوی شوکت اقدس  
همایون شاهنشاهی  
نمره ۱۵۷۲۳

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکت:

چون خانواده معتصم السلطنه در منزل این جانب متحصن شده و خود مشارالیه هم ناخوش است، مستدعی است اجازه فرمایند تلگرافاً امر شود که مشارالیه را مستقیماً از بیرجند به تهران روانه دارند تا در اینجا به کار او رسیدگی شود. وزیر جنگ و رئیس

تاریخ ۲۳ برج محرم سنه ۱۳۵۰  
شماره ۵۰



نمونه نمبر ۹

رئیس

دیویزیون قزاق

اعلیحضرت فریادکت اقدس هاپون شاهنشاهی

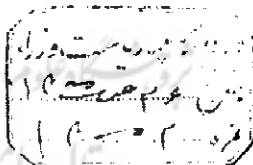
نمبر ۳۳۳۳۳۳۳۳

تاریخ بیت در ۲۳ محرم سنه ۱۳۵۰

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی



کتابخانه پستیان در دانشگاه خواجه

سند شماره ۵۰

دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی رضا [خان سردار سپه]  
[سجع مهر دایره‌ای]: رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی، نشان شیر ایستاده و  
شمشیر و خورشید و تاج، ۱۳۳۹.  
[سجع مهر مستطیل]: ورود به کابینه ریاست وزرا به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۰۰ نمبر ۱۳۰۰۲.  
[۳/۱۲۱۷.۵]

[۵۱]

مورخه ۲۶ برج عقرب ۱۳۰۰

ریاست وزراء

نمره ۱۳۰۰۲

فوری

وزارت جلیله جنگ

مراسله نمره ۱۵۷۲۳ زیب وصول بخشید، به طوری که دیروز مذاکره شد چون شوکت‌الملک مکرر تقاضا کرده بود که نظر به کسالت خانواده معتصم‌السلطنه اجازه داده شود یک ماه الی دو ماه در بیرجند متوقف باشد. این جانب هم دیروز عصر به شوکت‌الملک تلگراف کردم معتصم‌السلطنه و خانواده‌اش تا یک ماه دیگر در بیرجند توقف نمایند تا فوراً به اصلاح حال خانواده‌اش دستور ثانوی داده شود، راجع به آمدن تهران تصور نمی‌کنم فعلاً خود مشارالیه مایل به آمدن باشد زیرا خانواده‌اش از مسافرت ممنوع است و به این جهت خود مشارالیه نیز به ملاحظه مستأجری خانواده حسن اقامت بیرجند را فعلاً ترجیح خواهند داد.

[۳/۱۲۱۷-۴]

[۵۲]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

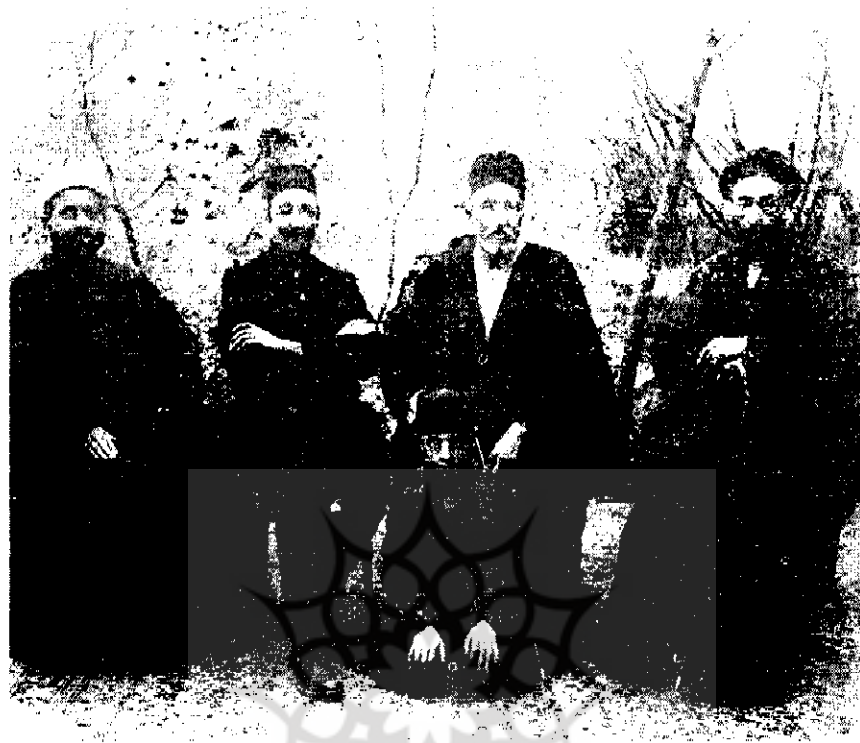
از بیرجند به ط [هران] [پوشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی] تاریخ وصول ۲۴ فوس [۱۳۰۰]

خدمت حضرت اجل امجد آقای سردار معظم دام اجلاله حکم تازه راجع به آقای معتصم‌السلطنه نرسیده لیکن موعد یک ماه مهلت، یک هفته دیگر منقضی و خانواده‌شان به واسطه وضع حمل هنوز بستری و موجب نگرانی‌شان است. چنانچه همان استدعای بنده که دو ماه مهلت خواسته بودم اولیای دولت مرحمت فرمایند رفع نگرانی ایشان می‌شود. این بنده حاضرماً ایشان را به ضمانت خود روانه نموده در تهران تسلیم نمایم، تصدقت محمدابراهیم.

[سجع مهر مستطیل:] ورود به کابینه ریاست‌وزراء، به تاریخ ۱۰ جدی ۱۳۰۰ نمره ۱۵۴۳۱

[پاسخ قوام که به طور جداگانه در سند بعدی آمده در حاشیه این سند نیز مکتوب است.]

[۳/۱۲۱۷-۲۲]



محمد ابراهیم شوکت الملک علم و مرتضی قلی خان نائینی نایب التولیه آستانه قدس رضوی  
به اتفاق دو تن از روحانیون [ ۳۹-۱ ]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
[ ۵۳ ]  
پرتال جامع علوم انسانی

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۵۴۳۱

تاریخ ارسالی ۱۰ جدی ۱۳۰۰ [ ۱ ]

بیرجند

حکومت جلیله؛ تلگرافی که به آقای سردار معظم راجع به معتصم السلطنه مخابره  
کرده بودید، ملاحظه شد. به طوری که تقاضا نموده بودید یک ماه دیگر هم برای رفع  
مرض خانواده معتصم السلطنه مهلت داده می شود. [ ۲۱-۲۲/۱۱۱۷ ]

[۵۴]

ورقه تلگرافی ریاست وزراء

رمز مشهد

۱ جدی ۱۳۴۰ [ق]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته؛

از قرار راپورتهای متواتر، معتصم السلطنه قائنات را مأمّن خود قرار داده باز مشغول نطقهای مهیج و متینگهای اغتشاش آور است و مردم را بر ضد حکومت مرکزی و حضرت اشرف اغوی می نماید، و با اینکه مؤسس انقلاب خراسان و محرک قوای محمدتقی خان این آدم بوده، آسوده بودن او در آنجا و باز تجدید مطلع کردن جایز نیست و البته اطلاعات حضرت اشرف از اوضاع این صفحه بیش از هر کسی است. راجع به این مسئله کسب تکلیف و دستورالعمل می کند، ۲۸ قوس نمره ۵ رضاقلی [نظام مافی] [۳/۱۲۱۷ - ۸]

[۵۵]

ریاست وزراء

سواد رمز مشهد

مورخه ۸ جدی [۱۳۰۰]

نمره ۱۵۵۲

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

تلگراف راجع به معتصم السلطنه گویا کاملاً مورد توجه و دقت نظر حضرت اشرف واقع نشده و مفاد دستخط جوابیه، توسط یا شفاعت بنده را در مورد او می رسانید. در صورتی که عرض کرده بودم وجود معتصم السلطنه در قائنات یا صفحه خراسان به کلی منافی صلاح است و باید هر چه زودتر دفع او را نمود. باز هم نطقها می کند و مردم آن صفحه را بر ضد دولت تهییج می کند. با این حال هر چه مقرر فرمایید اطاعت شود. لیلۈ ۸ جدی نمره ۱۲ - رضاقلی [نظام مافی]

[۱۰۴۶۴ر]